



Critical review of the sources of the book "Jafariyat / Ash'athiyat"*

Mohammad Ghandahari ¹

Ali Adelzadeh ²

Abstract

The book of Ja'fariyat, also known as Ash'athiyat, was popularized in Egypt by Ibn Ash'ath at the beginning of the fourth century. This book contains more than 1600 hadiths, most of which have been narrated through Imam Kadhim (AS) from Imam Sadegh (AS) quoting their fathers. The uniform attribution of this large volume of hadiths faces several problems, some of which are discussed in this article. The troubles in Jafaryat's book have risen the question of what sources did the author use? In this article, by examining various evidences and sampling and similarity of narrations, it has been shown that in compiling the book, the author has used sources such as: the book of Ismail Ibn Abiziad Sakuni and the heritage of the general narrators of Medina. By carefully documenting each hadith, it is possible to identify cases of Sakuni with high probability.

Keywords: Hadith, Ja'fariyat, Muhammad Ibn Muhammad Ibn Ash'ath, Ismail Ibn Abi Ziad Sukuni, Distorted Isnads, Sunni Hadiths.

*. **Date of receiving:** 14 July 2020, **Date of approval:** 23 January 2021.

1. PhD of Quranic and Hadith Sciences, University of Tehran (Responsible Author): ghandehari@gmail.com.

2. M. A. student of Quran and Hadith, University of Tehran: aliadelnajm@gmail.com.



بررسی انتقادی منابع کتاب «جعفریات / اشعثیات»*

محمد قندهاری^۱ و علی عادل‌زاده^۲

چکیده

کتاب «جعفریات» که به آن «اشعثیات» نیز گفته شده، ابتدای قرن چهارم توسط ابن‌اشعث در مصر نشر پیدا کرده است. این کتاب، بیش از ۱۶۰۰ حدیث را شامل می‌شود که عموم اسانید آن‌ها از طریق امام کاظم علیه السلام از امام صادق علیه السلام به نقل از پدران نشان روایت شده است. انتساب یکسان و یکدست این حجم زیاد از احادیث با مشکلات متعددی روبه‌روست که در این مقاله به بخشی از آن پرداخته می‌شود. اشکالات وارده بر کتاب «جعفریات»، این پرسش را ایجاد کرده که مؤلف آن از چه منابعی استفاده کرده است؟ در این مقاله با بررسی شواهد مختلف و نمونه‌گیری و مشابه‌یابی روایات، نشان داده شده که مؤلف در تدوین کتاب، از منابعی مانند: کتاب اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی و از میراث راویان عامی مدینه بهره برده است. با دقت در نحوه اسناددهی هر حدیث، می‌توان موارد برگرفته از سکونی را با احتمال بالا تشخیص داد.

واژگان کلیدی: حدیث، جعفریات، محمد بن محمد بن اشعث، اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی، قلب اسناد، احادیث عامی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۴ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۱/۰۴.

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول): ghandehari@gmail.com.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران: aliadelnajm@gmail.com.



مقدمه^[۱]

«جعفریات»، کتابی مهم، متعلق به ابتدای قرن چهارم است که با نام‌های «اشعثیات» یا «علویات» نیز شناخته می‌شود. در این کتاب بیش از ۱۶۰۰ روایت با سند یکسان از امام کاظم علیه السلام از امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانشان روایت شده و تنها بخش کوچکی از اسانید به جای آنکه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا امام علی علیه السلام منتهی شود، به یکی از صحابه منتهی شده است. مؤلف این کتاب ابوالحسن محمد بن محمد بن اشعث، محدثی فعال و معروف در میان شیعیان و اهل سنت در قرن چهارم بود. ابن اشعث در کوفه متولد شده و سپس به مصر رفته و روایات متعددی از میراث شیعیان را در مصر روایت کرده است. او این کتاب را بنا بر ادعای خود، از موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر، نوه امام موسی کاظم علیه السلام دریافت و نقل می‌کند. شاید به دلیل علاقه‌های بین‌فرقه‌ای، روایات اهل سنت از امام صادق علیه السلام درباره حج را در کتابی گرد آورده است (نجاشی، الرجال، ۱۳۶۵: ۳۷۹)

تنها کتاب بازمانده از ابن اشعث، «جعفریات» است که ظاهراً توسط مؤلف نام‌گذاری نشده و این کتاب گاهی به تناسب نام مؤلف آن، «اشعثیات» نامیده شده و گاهی به مناسبت انتساب روایات آن به امام صادق علیه السلام «جعفریات» خوانده شده است. این کتاب از زمان ابن اشعث تا چند قرن پس از او در میان شیعه و اهل سنت به طرق گوناگون روایت می‌شده و روایاتی از آن در جوامع حدیثی گوناگون نقل کرده‌اند. قاضی نعمان مغربی، محدث بزرگ اسماعیلی، مقیم در مصر، به طور گسترده از روایات جعفریات در کتب دعائم الاسلام و الايضاح استفاده کرده و آن را «الکتب الجعفریة» نامیده است (Madelung, The Sources of Ismaili Law, 1976: 33-34؛ رحمتی، مقدمه الايضاح، ۱۳۸۲: ۴۹ و ۵۰).

ابن عدی، رجالی اهل سنت، در کتاب الکامل خود، روایاتی از نسخه مؤلف را در مدخل مرتبط با او آورده، اما نام کتاب را یاد نکرده است (جرجانی، الکامل، ۱۴۱۸: ۵۶۵/۷). فضل الله راوندی (م ۵۷۰)، محدث شیعه در قرن ششم، تحریری از این کتاب به روایت سهل دیباجی را با حذف اسانید تکراری با نام «نوادر» روایت می‌کرده است. سید بن طاووس، عالم امامی در قرن هفتم، از این کتاب با نام «روایة الأبناء عن الآباء من أهل البيت» روایت کرده است (ابن طاووس، مال الأسبوع، ۱۳۳۰: ۴۱۹). علامه مجلسی زمانی که در پی گردآوری مجموعه سترگ بحارالانوار بوده، به این کتاب دسترسی نداشته، چراکه هیچ روایتی را به طور مستقیم از این کتاب نیآورده است. اما در قرن سیزده، یکبار نسخه‌ای از این کتاب، مطابق با تحریر ابن سقا از ابن اشعث، یافت شد و محدث نوری به طور گسترده از آن در تألیف کتاب المستدرک الوسائل بهره برده است (درایتی، فنخا، ۱۳۹۰: ۱۰۲۰/۳).



از همان زمان مؤلف تا کنون، بحث‌های مفصلی دربارهٔ اصالت کتاب و اعتبار روایات آن درگرفته است. اینکه تا قبل از ابن‌اشعث، هیچ‌کسی کل یا حتی بخشی از این کتاب را از مشایخ مورد ادعای او نقل نکرده، منجر به تشکیک برخی رجالیان شده است. ابن‌عدی، نقل می‌کند که نزد ابن‌اشعث رفته و او نسخه کتابش را که با خطی تازه و بر روی کاغذی نو نوشته شده بود و نزدیک به هزار حدیث داشت، بیرون آورد و سند آن از طریق موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر بن محمد از پدرانش تا علی رضی الله عنه و پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده بود و بیشتر روایات آن مسند و برخی مقطوع که همه یا بیشتر آن‌ها مُنکر است (جرجانی، الکامل، ۱۴۱۸: ۵۶۵/۷).

اما در میان امامیه یک مشکل دیگر نیز دربارهٔ کتاب مشاهده می‌شود و آن اینکه مضامین روایات این کتاب، چه بسا با مشهورات فقه امامیه در تعارض است. این مسئله، موجب چالشی شدن بحث از اصالت کتاب شده و افرادی مانند: شیخ یوسف بحرانی، عالم برجسته اخباری، جعفریات را کتابی «مجهول» می‌داند که اعتماد بر آن ممکن نیست (بحرانی، الحدائق الناضرة، بی تا، ۹۵/۱۲) و صاحب جواهر، عالم برجسته اصولی نیز ارزیابی مشابهی داشته و روایات کتاب را غالباً مطابق با روایات عامه می‌داند (نجفی، واهر الکلام، ۱۹۸۱: ۳۹۸/۲۱). البته عده‌ای از فقها نیز به کتاب جعفریات خوش‌بین بوده‌اند. فاطمه ژیان خلاصه‌ای از مهم‌ترین ارزیابی‌های مثبت و منفی رجالیان و فقهای متأخر را در این باره گرد آورده است (ژیان، ارزیابی بی‌اعتباری اشعثیات، ۱۳۹۶: ۲۸-۲۹).

مهم‌ترین پرسش در مواجهه با کتاب، این است که چگونه این حجم از روایات منفرد از امام کاظم رضی الله عنه، پس از گذشت ۱۵۰ سال، در قرن چهارم به دست ابن‌اشعث در مصر رسیده، بدون آن که دیگران از آن‌ها مطلع شوند؟ از طرف دیگر، ابن‌اشعث همه روایات کتاب را با سندی یکسان از موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر، از پدرش اسماعیل بن موسی، از پدر بزرگش امام موسی بن جعفر روایت می‌کند؛ چگونه ممکن است این حجم انبوه از روایات را اسماعیل بن موسی تنها برای پسرش گفته باشد و موسی بن اسماعیل نیز تنها برای ابن‌اشعث، بدون آن که هیچ فرد دیگری از آن‌ها روایت کند؟ نبود پاسخ روشنی برای این اشکالات، موجب شده که بیشتر فقها نگاه مثبتی به روایات این کتاب نداشته باشند. اما در هر حال، فارغ از اصالت سند ادعایی برای روایات کتاب، ای این پرسش باقی است که این کتاب چگونه شکل گرفته است؟ میرزا حسین نوری بحث مفصلی دربارهٔ این کتاب داشته و در ضمن آن به رابطه این کتاب با کتاب سکونی توجه داشته است (نوری، خاتمه المستدرک الوسائل، ۱۴۳۵: ۱۵/۱-۳۷). سید احمد مددی نیز حدس زده است این کتاب، همان کتاب اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی، راوی عامی از امام صادق رضی الله عنه در قرن دوم است که تنها سند آن تغییر یافته است



(مددی، درس خارج فقه، ۱۳۹۵: جلسه ۲۴ شهریور). اما تاکنون هیچ پژوهش مستقلی برای ارزیابی میزان صحت این ادعاها انجام نشده است. فاطمه ژبان در مقاله خود به طور مختصر به این مسئله پرداخته (ژبان، ۴۵-۴۶) اما به اشکالات متعدد مطرح شده در بخش اول این مقاله، توجه نکرده است؛ لذا می‌توان ادعا کرد که تا کنون این مسئله به صورت حل نشده باقی مانده است. این پژوهش در پی آن است که با ارزیابی تفصیلی روایات و اسانید کتاب، به این مسئله پاسخ دهد.

در این مقاله، ابتدا به تفصیل اشکالات اسناد فعلی کتاب بررسی می‌شود، سپس در جهت کشف منابع کتاب، نمونه‌ای از احادیث تخریج می‌شود تا معلوم گردد که از چه روایان دیگری، مشابه این متون و اسانید نقل شده است. پاسخ این سؤال به تشخیص میزان اصالت طریق کتاب و در مرتبه بعد فهم منابع ابن اشعث کمک می‌کند. سرانجام، نسبت متون و اسانید کتاب را با مهم‌ترین منابعی که برای آن یافت می‌شود، مشخص می‌سازیم.

الف) مشکلات تاریخی و مضمونی اخبار اشعثیات

با توجه به اینکه در کتاب «جعفریات» عموم احادیث به امام صادق نسبت داده شده و اکثر قریب به اتفاق آن‌ها نیز به نقل از پدرانشان ذکر شده است، در صورت اصالت اسناد این احادیث به امامان، انتظار داریم که در کل کتاب مضامین درست و پیراسته، روایت شده باشد. به عبارت دیگر با توجه به اینکه سند ابن اشعث در ابتدای کتاب، برای روایت تمامی روایات کتاب از آن حضرت بوده است، اگر این سند اصیل باشد، می‌بایست تمامی این روایات مسیر یکسانی را از زمان صدور تا ثبت در کتاب و انتقال و رواج آن به دست ابن اشعث، طی کرده باشد. اما با مرور متون و اسانید احادیث با مشکلات متعددی روبرو می‌شویم که صدور همه این احادیث از امام صادق را با مشکل مواجه می‌سازد. در ادامه، به چند دسته از مهم‌ترین این مشکلات می‌پردازیم.

۱- زمان‌پریشی یا ناهماهنگی تاریخی

در برخی احادیث جعفریات، میان متن و سند، ناهمخوانی تاریخی دیده می‌شود. به عنوان مثال یکی از این احادیث چنین است: «أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبِي أَنَّ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ ص كَانُوا إِذَا بَالُوا تَوَضَّؤُوا أَوْ تَيَمَّمُوا مَخَافَةَ أَنْ تُدْرِكَهُمُ السَّاعَةُ» (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۳)^[۲]. جمله «اخبرنی ابی» (پدرم به من خبر داد)، نمی‌تواند از امیرالمؤمنین ع باشد. میرزا حسین نوری برای حل این مشکل «علی» را بر «علی بن الحسین» تطبیق کرده است (نوری، المستدرک الوسائل، ۱۳۲۰: ۲۹۸/۱). در نوادر راوندی نیز عبارت «اخبرنی ابی» حذف شده است



(راوندی، النوادر، بی تا، ۳۹). متن این حدیث نیز خالی از اضطراب نیست؛ زیرا ترس از دست دادن فرصت، با تیمم در زمان عدم دسترسی به آب تناسب دارد؛ بنابراین عبارت «توضئوا او» زائد به نظر می‌رسد. در منابع اهل سنت همین جمله بدون این عبارت زائد به عبدالله بن ابی‌الهدیل نسبت داده شده و لذا در آن اضطرابی دیده نمی‌شود (نعیم بن حماد، الفتن، ۱۴۱۲: ۶۴۶/۲؛ دانی، السنن، ۱۴۱۶: ۷۷۶/۴). در روایت ابونعیم نیز با قید «قَبْلَ أَنْ يَصِلَ إِلَى الْمَاءِ» تصریح شده که این نقل مربوط به شرایطی است که امکان وضو فراهم نباشد (ابونعیم، حلیة الاولیاء، ۱۳۹۴: ۳۵۹/۴). از اعمش نیز سخن مشابهی روایت شده که بر همین قید تأکید می‌کند (معمر بن راشد، الجامع، ۱۴۰۳: ۳۸/۱۱).

نمونه دیگر، حدیثی است که در آن واژه «الفرطون» به کار رفته است (ابن‌اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۸۰). سید احمد مددی با اشاره به اینکه این واژه در لغت‌نامه‌ها مشاهده نمی‌شود، احتمال داده که از اصطلاحات محلی مصری بوده است. (مددی، دروس خارج فقه، ۱۳۸۵، لسه ۲۲ و همو: ۱۳۸۸: جلسه ۱۱۲). با جستجو در کتب متعدد عربی اعم از لغت، تاریخ، حدیث و ... نتوانستیم معنای این واژه یا نمونه دیگری از کاربرد آن را پیدا کنیم؛ جز در کتابی از یک مؤلف ناشناخته که به توصیف آشپزی در مغرب و اندلس در قرن هفت هجری می‌پردازد. بنابر آن چه در این کتاب آمده، «فرطون» نام ظرفی است شبیه یک جام بزرگ که دهانه‌اش پهن و پائینش تنگ است و در پختن غذایی به همین نام به کار می‌رود (کتاب الطبیخ: ۲۷/۱۳۸۰). اگرچه ممکن است، کاربرد این کلمه در مصر قرن چهارم دقیقاً همین نبوده باشد؛ اما دست‌کم می‌توان دریافت که این واژه در غرب جهان اسلام و برای نوعی ظرف به کار می‌رفته است. شواهد حاکی از آن است که این واژه در حجاز و عراق کاربرد نداشته و بنابراین انتساب آن به امام کاظم علیه السلام و پدرانش با تردید جدی روبرو است و متن نهایی این حدیث احتمالاً در مصر تنظیم شده است.

۲- اشتباه و خلط در متن احادیث

بنا بر یکی از احادیث جعفریات، مشرکان پس از کشته‌شدن عمرو بن عبدود، ۱۰ هزار درهم برای پیامبر صلی الله علیه و آله فرستادند تا جنازه او را تحویل بگیرند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّا لَا نَأْكُلُ زَبَدَ الْمُشْرِكِينَ» (ابن‌اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۲۷). «زبد المشرکین» به معنای هدایای کفار است؛ چنان‌که در حدیث دیگری از جعفریات نیز تفسیر آن آمده است (همان، ۸۲). روایت مشهور عیاض بن حمار (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۴۲/۵؛ ابن‌ابی‌شیبہ، المصنف، ۱۴۲۵: ۶۹۸/۷) و حدیث ابراهیم کرخی (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۴۱/۵؛ ۲۷۴/۶) این معنا را تأیید می‌کند. لغت‌شناسان نیز همین معنا را برای «زبد المشرکین» بیان کرده‌اند (ابن‌فارس، معجم، ۱۴۰۴: ۴۴/۳؛ زمخشری، اساس البلاغة، ۱۹۷۹: ۲۶۶؛ همو، ۱۴۱۷: ۷۵/۲؛ ابن‌اثیر، النهاية، ۱۳۶۷: ۲۹۳/۲).



بنابراین تعبیر «زید المشرکین» با سیاق این حدیث ناسازگار است؛ زیرا آن چه مشرکان فرستادند به‌عنوان هدیه نبود. در روایات دیگری که از این ماجرا در دست است، به‌جای «زید المشرکین»، «ثمن الموتی» آمده است (بیهقی، دلانل النبوة، ۱۴۰۵: ۴۳۸/۳؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ۱۴۰۵: ۱۹۸/۱). همین مضمون در روایات دیگر با تعابیر متفاوتی آمده است (بیهقی، السنن الکبری، ۱۴۲۴: ۲۲۴/۹؛ ابن ابی شیبۀ، المصنف، ۱۴۲۵: ۶۷۲/۷) از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز جمله مشابهی درباره جنازه عبیدالله بن عمر در جنگ صفین روایت شده است (مسعودی، مروج الذهب، ۱۴۰۹: ۳۸۵/۲). تعبیر «ثمن الموتی» برخلاف «زید المشرکین» کاملاً با سیاق حدیث سازگاری دارد؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد در حدیث جعفریات اشتباهی صورت گرفته و داستان عمرو بن عبدود با داستان عیاض بن حمار خلط شده است.

۳- تعارض با حدیث، اعتقادات و فقه شیعه

بسیاری از احادیث جعفریات با مشهورات فقه شیعه مخالف بوده و با آراء فقهای اهل سنت موافق است. به‌گفته برخی فقهاء، جعفریات از اصول مشهور و معتبر نیست و روایات آن غالباً برخلاف روایات کتب معتبر و موافق روایات عامه می‌باشد (نجفی، واهر، ۱۹۸۱: ۳۹۸/۲۱). محمدتقی شوشتری، کتاب را در بردارنده اخبار شاذ می‌داند (شوشتری: قاموس الرجال، ۱۴۱۰: ۱۲۰/۲). سید موسی شبیری زنجانی روایات جعفریات را غالباً موافق عامه، مخالف روایات شیعه، غیر قابل استناد و نامقبول می‌داند (شبیری، نکاح، بی تا، ۲۷۸۱/۱۸، ۵۸۱۷). به‌عنوان نمونه روایت تجویز غنا و خواندن شعر «اتیناکم اتیناکم...» در عروسی‌ها (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۱۰، ح ۲) به‌طور خاص در روایتی از امام صادق علیه السلام تکذیب شده است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۴۳۳/۶). حدیث سه‌بار شستن صورت و دست‌ها در وضو (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۶) برخلاف اجماع شیعه است. (نجفی، واهر، ۱۹۸۱: ۲۷۶/۲). حدیث بازی و سرگرمی زنگی‌ها در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد ایشان (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۵۷) مورد طعن علمای شیعه بوده و همواره اهل سنت را به‌خاطر نقل آن سرزنش می‌کرده‌اند (نمونه: ابن طاووس، الطرائف، ۱۴۰۰: ۲۲۱/۱؛ حلی، ۱۹۸۲: نهج‌الح: ۱۴۹). حرام دانستن هدیه به طمع دریافت بیشتر (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۸۰) برخلاف همه روایات شیعه است (ابن بابویه، الفقیه، ۱۴۱۳: ۲۷۵/۳، ۲۸۵؛ طوسی، التهذیب، ۱۴۰۷: ۱۵/۷ و ۱۷؛ توبلی، البرهان، ۱۳۷۴: ۳۴۹/۴). جوب پوشاندن مو بر زنان در برابر برادر (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۹۷) برخلاف قرآن است (نور: ۳۱). لازم نبودن قضای روزه ماه رمضان در صورت فراموش کردن غسل جنابت (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۲۱) برخلاف روایات و فتوای مشهور شیعه است (حر عاملی،



وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۲/۲۵۷؛ ۱۰/۶۵ و ۲۳۷؛ نوری، المستدرک، ۱۴۰۸: ۱/۴۸۰؛ بحرانی، بی تا، الحدائی: ۱۳/۲۹۸). لزوم تجدید آب وضو هنگام مسح سر (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۶) نیز موافق نظر اهل سنت و مخالف فتوای شیعه است (طوسی، الخلاف، بی تا، ۱/۸۰؛ همو، استبصار، ۱۳۹۰: ۱/۵۸). لزوم اقامه شهود بر شوهرنداشتن برای زن غریبه ای که قصد ازدواج دارد (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۰۰) نیز برخلاف فتوای مشهور و روایات معتبر شیعه است. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۲۰/۲۰۹؛ ۲۱/۳۰؛ نوری، المستدرک، ۱۴۰۸: ۱۴/۴۵۸؛ شبیری، نکاح، بی تا، ۱۱/۳۷۶۱). نافذدانستن سه طلاق در یک مجلس (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۱۳) برخلاف اجماع شیعه است (مرتضی، الانتصار، ۱/۳۰۸). کافی دانستن یک بار شیر مکیدن در تحقق محرمیت رضاعی (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۱۶) هم موافق فتوای اهل سنت (طوسی، الخلاف، بی تا، ۵/۹۶) و برخلاف مشهور شیعه و روایات متعدد است (نجفی، واهر، ۱۹۸۱: ۲۹/۲۶۹).

به عنوان نمونه ای از مخالفت با عقاید شیعه نیز باید به حدیثی درباره عذاب ابوطالب (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۹۱) اشاره کرد که از احادیث مشهور اهل سنت بوده (نیشابوری، المستدرک، ۱۴۱۱: ۴/۶۲۵) و با عقاید شیعه مخالف است (ابن معد، ایمان ابی طالب، ۱۴۱۰: کل کتاب) و به طور خاص در برخی روایات تکذیب شده است (همان، ۷۷-۸۵). همچنین حدیث «النجوم أمانة/امان لأهل السماء» دارای دو تحریر اصلی است که در یکی اهل بیت پیامبر ﷺ (نیشابوری، المستدرک، ۱۴۱۱: ۲/۴۸۶) و در دیگری اصحاب پیامبر ﷺ امان امت شمرده شده اند (ابن حبان، الصحيح، ۱۴۱۴: ۱۶/۲۳۴). ابن اشعث تقریر دوم را - که برخلاف عقیده شیعه است - روایت کرده است (راوندی، النوادر، بی تا، ۲۳).

نمونه جالب دیگر، داستان وفات پیامبر که به سند جعفریات از امام حسین ﷺ از ابوذر روایت شده است (ابن اشعث، جعفریات، ۲۱۲): بنابراین این روایت، ابوذر خواهان آن بوده که پیامبر ﷺ را اندکی قبل از وفاتش، به سینه خود تکیه دهد؛ اما پیامبر ﷺ علی ﷺ را برای این کار سزاوارتر دانسته و توصیه هایی به ابوذر کردند. در همین اثناء، پیامبر ﷺ مسواک طلبیدند و از عایشه خواستند که آن را بچود و تر کند و پس از آن که به عایشه گفتند: ای حمیراء آب دهان من با آب دهان تو مخلوط شد و سپس از دنیا رفتند. این گزارش با روایات معتبر شیعی در کیفیت وفات پیامبر ﷺ فاصله دارد (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۲۲/۴۵۵-۵۵۰). در این حدیث، آشکارا و به گونه ای ناسازگار بین فضیلت امیرالمؤمنین ﷺ و عایشه جمع شده که می تواند نشانه ترکیبی بودن آن باشد. جالب آن که بخش نخست روایت که شامل فضیلت امیرالمؤمنین ﷺ است در منابع عامه به جای ابوذر به حذیفه نسبت داده شده



است (حارث، مسند، ۱۴۱۳: ۳۶۰/۱) و بخش دوم آن نیز که بر فضیلت عایشه دلالت دارد، در روایات عامی مستقلی نقل شده است (ابن سعد، الطبقات، ۱۴۱۷: ۳۶۶/۲-۳۶۷)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در روایت جعفریات، دو روایت ناسازگار با خاستگاه متفاوت، ترکیب شده و در راستای تقریب بین دیدگاه شیعی و سنی در قالب یک گزارش جدید ارائه شده است. حجم زیادی از جعفریات را این‌گونه احادیث عامی مخالف شیعه تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه سند جعفریات یک سند خانوادگی و بیانگر انتقال این احادیث در بیش از چهار طبقه از خاندان پیامبر ﷺ است، حمل همه آن‌ها بر تقیه پذیرفتنی نیست.

ب) اسناد و انتساب‌های موازی برای روایات اشعثیات

تعداد زیادی از روایات جعفریات در منابع دیگر، با همان لفظ به‌عنوان سخنان یا روایات صحابه و تابعین نقل شده است. برای توجیه این مشابهت، دو رویکرد اصلی می‌توان فرض کرد: اول آن که در جعفریات روایات افراد مختلف کنار هم قرار گرفته و به امام صادق (علیه السلام) نسبت داده شده است. دوم آن که نویسندگان تمامی این منابع گوناگون، روایات امام صادق (علیه السلام) را - که در جعفریات ذکر شده - سرقت کرده و با اسناد دیگری نقل کرده‌اند. طبعاً احتمال اول عادی‌تر و پذیرش آن ساده‌تر است و هرچه تعداد روایات مشابه زیادتر باشد، احتمال اول قوت و ترجیح بیشتری می‌یابد. در این بخش به بررسی چند نمونه از این نوع انتساب موازی می‌پردازیم.

۱- مشابهت با منفرداتِ راویانِ اهل سنت

یکی از اشکالات جعفریات، یکسانی بسیاری از احادیث آن با منفردات برخی صحابه، تابعین یا محدثان است. این احادیث غالباً در منابع متقدم بر جعفریات روایت شده‌اند و به‌گونه‌ای با نام راوی آن گره خورده‌اند که آن راویان و احادیث جز به یکدیگر شناخته نمی‌شوند. به‌عنوان باید از یکی از منفرداتِ عنبة بن عبدالرحمن که متهم به جعل آن بوده یاد کرد (ابن اشعث، الجعفریات، بی‌تا، ۱۶؛ بافتنی، تذکره، ۱۳۴۳: ۳۲/۱؛ ابن‌عرا: تنزیه، ۱۳۹۹: ۷۳/۲؛ شوکانی، الفوائد، ۱۳/۱). همچنین حدیث دیگری که از منفردات عیسی بن یزیداد به‌شمار می‌رود (ابن اشعث، الجعفریات، بی‌تا، ۱۲؛ بیهقی، السنن الکبری، ۱۴۲۴: ۱۸۲/۱).

نمونه دیگر روایتی است که در جعفریات درباره امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده (ابن اشعث، الجعفریات، بی‌تا، ۱۶۹) اما در مصادر متقدم، با همه جزئیاتش درباره پیرمردی از اصحاب رسول خدا ﷺ از قبیله بنی‌سلیم حکایت شده است (معمر بن راشد، الجامع، ۱۴۰۳: ۲۹۶/۱۱؛ سری بن



یحیی، ۲۰۰۴: حدیث ۴۷؛ ترمذی، السنن، ۱۳۹۵: ۵/۵۳۶؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: المسند، ۲۱۹/۳۰؛ عدنی، الایمان، ۱۴۰۷: ۱۲۴؛ شیبان بن فروخ، بی تا، حدیث ۶۳؛ ابن ابی عاصم، الآحاد والمثانی، ۱۴۱۱: ۵/۳۴۷؛ مروزی، تعظیم، ۱۴۰۶: ۱/۴۳۰).

درباره فضیلت و شرح معنای تخلل نیز روایت جعفریات (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۷) تنها با یکی از منفردات ابوسوره برادرزاده ابویوب انصاری مشابته دارد (طبرانی، المعجم الکبیر، ۱۴۱۵: ۱۷۷/۴؛ ابن حنبل، المسند، ۱۴۲۱: ۵۰۸/۳۸؛ ابن حمید، المنتخب، ۱۴۲۳: ۱/۲۰۳؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ۱۴۲۵: ۱/۲۲). ابوسوره را مدار اسناد این حدیث برشمرده و تضعیفش کرده اند (بوصیری، اتحاف الخیرة، ۱۴۲۰: ۱/۳۳۸). همچنین حدیث «أَمِيرُ الْقَوْمِ أَوْعَفُهُمْ دَابَّةً» (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۷۹) در منابع دیگر تنها به روایت دو راوی ضعیف یافت می شود؛ یکی معلی بن هلال که متهم به کذب است (ابن قیسرانی، ذخیره الحفاظ، ۱۴۱۶: ۱/۳۵۲؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ۱۳۸۲: ۴/۱۵۲) و دیگری شیب بن شیب که این حدیث را در ماجرای برای منصور دوانیقی روایت کرده است (بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۲۲: ۱۰/۳۷۸). حدیث مستثنیات لهو (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۸۷، ح ۴) نیز از منفردات عقبه بن عامر است (بیهقی، ۱۴۱۰: السنن الصغیر، ۴/۸۹)^[۳]. روایت خواستگاری جابر بن عبدالله نیز از منفردات داود بن حصین از واقد بن عمرو [عبدالرحمن] بن معاذ است (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۹۳، ح ۴؛ احمد بن حنبل، المسند، ۱۴۲۱: ۲۲/۴۴۰؛ نیشابوری، المستدرک، ۱۴۱۱: ۲/۱۷۹؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ۱۴۲۵: ۳/۴۲۷).

در حدیث دیگر جعفریات آمده است که پیامبر ﷺ از اینکه عده ای خطاب به او گفتند: «مرحبا بسیدنا و مولانا» بسیار خشمگین شد و آن را غلو دانست (همان/۱۸۴). این حدیث در اصل از منفردات جسر بن الحسن به شمار می رود که در آن تأکید شده، سید تنها خدا است (ابن جعد، المسند، ۱۴۱۲: ۴۷۳؛ جرجانی، الكامل، ۱۴۱۸: ۲/۴۲۵؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ۱۴۱۵: ۷۲/۹۷). این در حالی است که خداوند در قرآن یحیی بن زکریا را «سید» نامیده است (آل عمران: ۳۹) و در احادیث نیز واژه سید برای پیامبر ﷺ و دیگران بسیار به کار رفته است؛ مثلاً در تعبیری چون سید ولد آدم (مسلم، الصحیح، بی تا، ۱۷۸۲/۴)، سید الشهداء، سیده نساء اهل الجنة، سیدی شباب اهل الجنة (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۲۱۳). همچنین تعبیر «مولانا» با توجه به حدیث «من كنت مولاه فعلي مولاه» (نسائی، السنن، ۱۴۲۱: ۴۳۸/۷) کاملاً بی اشکال به نظر می رسد. حدیث سراقه بن مالک درباره برترین صدقه (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۵۵) نیز در هیچ منبعی به امامان علیهم السلام نسبت داده نشده و از منفردات موسی بن علی بن ریح از پدرش می باشد (بخاری، الأدب، ۱۴۰۹: ۱/۴۲؛ ابن ماجه، السنن، ۱۴۳۰: ۴/۶۳۴).



۲- برجاماندن ردپای منبع اصلی در متن

در جعفریات، حدیث هامة بن الهیثم با بیش از ۴۰۰ کلمه به اسنادِ عمومی کتاب روایت شده است (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۷۵). همین حدیث در منابع دیگر از طریق اسحاق بن بشر کاهلی از ابومعشر از نافع از ابن عمر از عمر بن خطاب نقل شده است (عقیلی، الضعفاء الکبیر، ۱۴۰۴: ۹۸/۱). متن جعفریات از نظر لفظی با روایت اسحاق بن بشر مطابقت کامل دارد و اندک اختلافات آن دو با تصحیف، سقط و جابه جایی قابل توضیح است. مطابقت لفظی دو متن طولانی با بیش از ۴۰۰ کلمه، نشان دهنده ریشه کتبی مشترک است و در صورتی که در سند آن دو، اشتراکی دیده نشود، بر قلب اسناد دلالت دارد. در اینجا قرینه‌ای در دست است که نشان می‌دهد سند اسحاق بن بشر نسبت به سند جعفریات متقدم و اصیل تر است. در پایان نقل جعفریات امام صادق علیه السلام بدون هیچ زمینه قبلی، سخنی از عمر بن خطاب روایت کرده‌اند (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۷۶) که در انتهای روایت اسحاق بن بشر نیز همین سخن عمر کامل تر و بدون تصحیف آمده است (ابن اعرابی، المعجم، ۱۴۱۸: ۹۸۱/۳). این در حالی است که در حدیث جعفریات، پیش تر هیچ سخنی از عمر بن خطاب به میان نیامده و استشهاد امام صادق علیه السلام در پایان حدیث به سخن عمر بن خطاب، کاملاً بی‌مناسبت می‌نماید؛ اما در روایت اسحاق بن بشر حدیث از ابتدا تا انتها به عمر بن خطاب منسوب است و ابهام و اضطرابی در انتهای آن دیده نمی‌شود.

گاهی نیز در جعفریات خطاهایی دیده می‌شود که نشان دهنده سرایت از یک منبع بیرونی است. مثلاً در ابتدای روایتی از بریره آمده است: «فی بریره اربع قضیات»؛ اما در ادامه تنها سه قضیه بیان شده است (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۱۰). روایت بریره در منابع سنی و شیعه مشهور است (نمونه: بیهقی، السنن الکبری، ۱۴۲۴: ۷، ۳۵۸-۳۶۶؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۴۸۶/۵). با جستجو در منابع متعدد درمی‌یابیم که در هیچ یک از نقل‌های آن غیر از همین سه قضیه، حکم دیگری درباره بریره نقل نشده است. در بسیاری از روایات نیز به «ثلاث سنن» یا «ثلاث قضایا» تصریح شده است. (بخاری، الصحیح، ۱۴۲۲: ۴۷/۷؛ ابن بابویه، الخصال، ۱۳۶۲: ۱۹۰/۱؛ ابن سعد، الطبقات، ۱۴۱۷: ۳۷۸/۸)^[۴] بنابراین لفظ «اربع» در روایت جعفریات نه با ادامه حدیث سازگار است و نه با نقل‌های مختلف حدیث بریره در منابع دیگر. با بررسی اطراف حدیث بریره در منابع گوناگون دریافتیم که این اختلال تنها در دو نقل از حدیث قتادة یافت می‌شود: (۱) حدیث مرسل قتادة به روایت سعید بن ابی عروبة (ابن سعد، الطبقات، ۱۴۱۷: ۳۷۸/۸)؛ (۲) حدیث همام بن منبه از قتادة از عکرمة از ابن عباس که گروهی آن را از همام روایت کرده‌اند؛ مانند: عفان بن مسلم (ابن ابی شیبیه، المصنف، ۱۴۲۵: ۱۵/۷؛ ابن حنبل، المسند، ۱۴۲۱: ۳۲۷/۴؛ عفان بن مسلم، احادیث عفان، ۲۰۰۴: ح ۲۰۷)،



عمرو بن عاصم (ابن سعد، الطبقات، ۱۴۱۷: ۳۷۸/۸)، بهز بن حکیم (ابن حنبل، المسند، ۱۴۲۱: ۳۸۶/۵)، هدبة بن خالد (مقدسی، الاحادیث المختارة، ۱۴۲۰: ۲۳۸/۱۲) و محمد بن سنان (ابن سعد، الطبقات، ۱۴۱۷: ۲۲۱/۷).

همین روایت را سماک نیز از عکرمة روایت کرده اما در آن تعبیر «اربع قضیات» نیامده است (ابن حبان، الصحيح، ۱۴۱۴: ۵۲۰/۱۱؛ طبرانی، المعجم الكبير، ۱۴۱۵: ۲۸۳/۱۱)؛ بنابراین اختلال احتمالاً از جانب قتادة است. طبعاً نمی‌توان پذیرفت که این اختلال غیر عادی به نحو کاملاً یکسان در دو روایت جعفریات و روایت قتادة، به صورت مستقل و جداگانه راه یافته باشد؛ خصوصاً که الفاظ دو روایت به هم شباهت دارد؛ بنابراین با توجه به تقدّم روایت قتادة باید آن را ریشه روایت جعفریات دانست.

۳- نقل سخنان مشهور صحابه و تابعین به نام ائمه

در جعفریات درباره خرید زمین‌های اهل ذمه سخنی به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نسبت داده شده است (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۸۱، ح ۳) که از فرمان‌های مشهور عمر بن خطاب به شمار می‌رود (ابن ابی شیبیه، المصنف، ۱۴۲۵: ۹۳/۵؛ یحیی بن آدم، بی تا، الخراج، ۵۵/۱-۵۶؛ عبدالرزاق: المصنف، ۱۴۰۳: ۴۵/۶؛ ۳۳۷/۱۰). همچنین حدیث دیگر جعفریات درباره نهی از رفتن به معابد اهل شرک در اعیاد (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۸۲) در منابع پیشین به عنوان سخن عمر بن خطاب شهرت دارد (عبدالرزاق: المصنف، ۱۴۰۳: ۴۱۱/۱؛ ابن ابی شیبیه، المصنف، ۱۴۲۵: ۲۰۸/۶). حدیث «مَنْ حَسَّ مِنْ نَفْسِهِ جُبْنًا فَلَا يُغْرُو» (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۷۸) در منابع متقدّم به عایشه نسبت داده شده است (سعید بن منصور، السنن، ۱۴۰۳: ۲۴۷/۲؛ ابن ابی شیبیه، المصنف، ۱۴۲۵: ۲۳۱/۴؛ ابن عبدالبر، الاستذکار، ۱۴۲۱: ۳۴/۵). حدیث «مِنْ فَهْمِ الرَّجُلِ أَنْ يَعْرِفَ مَوْضِعَ بُرْأَيْهِ فِي النَّادِي» (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۳) نیز به قاضی مدینه، سعد بن ابراهیم بن عبد الرحمن بن عوف منسوب است (ابن ابی شیبیه، المصنف، ۱۴۲۵: ۲۶۰/۶).

بنابر روایت دیگر، امیرالمؤمنین (علیه السلام) کسی که قرآن را برعکس می‌خواند، منکوس القلب نامیدند (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۲۳۹، ح ۳). همین روایت در منابع متقدّم به عبدالله بن مسعود منسوب است (عبدالرزاق: المصنف، ۱۴۰۳: ۳۲۳/۴؛ ابن ابی شیبیه، المصنف، ۱۴۲۵: ۲۰۶/۷).

انتساب جمله «من شاء باهلته لیس فی الأمة ظهار» به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز از متفردات جعفریات است (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۱۵). این جمله که برخلاف فتوای بیشتر فقیهان شیعه است (طوسی، الخلاف، بی تا، ۵۲۹/۴؛ بحرانی، الحدائق: ۶۶۶/۲۵) در منابع دیگر از طریق مجاهد و ابن ابی ملیکه به ابن عباس نسبت داده شده است (دارقطنی، السنن، ۱۴۱۸: ۱۹۱/۳؛ جصاص، احکام القرآن، ۱۴۱۵: ۵۶۴/۳).



۴- استناد به فعل و سخن صحابه و نقل مکرر از تابعین

هرچند اکثر احادیث جعفریات با سند یکسان از امام کاظم علیه السلام از امام صادق علیه السلام به نقل از پدران‌شان روایت شده، اما همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، مواردی نیز اسانید کتاب به صحابه منتهی شده است. در این کتاب بارها به فعل صحابه به‌طور عمومی (ابن‌اشعث، الجعفریات، بی‌تا، ۱۳، ح ۸؛ ۱۴، ح ۸؛ ۱۷، ح ۶)، فعل خلفای سه‌گانه (همان، ۴۵، ح ۷ و ۸؛ ۱۳۶، ح ۱)، فتوای عبدالله بن عمر (همان، ۱۴، ح ۱)، سخن عائشه (همان، ۲۴، ح ۵)، فتوای ابراهیم نخعی (همان، ۱۰۴) و سفیان ثوری (راوندی، النوادر، بی‌تا، ۳۸) استناد شده است. برخی از احادیث نیز از طریق صحابه مانند ام سلمه (ابن‌اشعث، الجعفریات، بی‌تا، ۲۵، ح ۵ و ۶)، جابر بن عبدالله انصاری (همان، ۴۴ و ۱۸۵)، اسماء بنت عمیس (همان، ۲۱۰)، عبدالله بن ابی‌رافع (همان، ۴۳) روایت شده است. در یک نمونه جالب، دو سخن تقریباً یکسان به‌صورت متوالی یک‌بار از طریق امام باقر علیه السلام به امیرالمؤمنین و بار دیگر از طریق قاسم بن محمد بن ابی‌بکر به عائشه نسبت داده شده است (ابن‌اشعث، الجعفریات، بی‌تا، ۲۹، ح ۱ و ۲). از موارد تأمل برانگیز دیگر، روایت امام صادق علیه السلام از نافع از عبدالله بن عمر است (همان، ۱۴ و ۱۳۶). همچنین قاضی نعمان دو روایت متوالی به سند جعفریات درباره «حی علی خیر العمل» نقل کرده است. در روایت نخست به فعل امام سجّاد و در روایت دوم به نقل نافع از فعل عبدالله بن عمر استناد شده است (ابن‌حیون، الإيضاح، ۱۰۸-۱۰۹). این دو روایت به همین ترتیب در منابع متقدم آمده است؛ ولی اسناد آن کاملاً متفاوت است و به‌ویژه در حدیث دوم به جای امام صادق علیه السلام، دیگران واسطه نقل از نافع هستند (ابن‌ابی‌شیبۀ، مصنف، ۱/۱۹۶). این نوع چینش خود قرینه‌ای است بر انتقال احادیث موجود در کتب متقدم به جعفریات و یکسان‌سازی اسناد آن‌ها. در نظر داشته باشیم که در روایتی منسوب به امام صادق علیه السلام، نافع دروغگو خوانده شده است (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ۶/۶۱).

استفتاء امام باقر علیه السلام از عبدالله بن عمر (م ۷۳ق) (ابن‌اشعث، الجعفریات، بی‌تا، ۶۲) از احادیث دشوار جعفریات به‌شمار می‌رود که با اندکی اختلاف از حسین بن علوان نیز روایت شده است (حمیری، قرب الاسناد، ۱۴۱۳ ه.ق/۸۹)؛ بنابراین این روایت، کنیز امام باقر علیه السلام در حال بارداری، دچار بیماری تشنگی شد. از عبدالله بن عمر بن خطاب، حکم او را پرسیدند. ابن‌عمر پاسخ داد: به او امر کنید که روزه را بخورد و به ازای هر روز یک مسکین را اطعام کند. از منظر کلامی، استفتاء امام معصوم از غیر معصوم پذیرفتنی نیست؛ مگر در حال تقیه و بنا به مصلحتی که در اینجا چون مسئله درون‌خانوادگی بوده خوف و تقیه در آن متصور نیست؛ به‌ویژه که سند جعفریات مستلزم تأیید امام کاظم علیه السلام و آموختن آن به فرزندشان است. از حیث تاریخی نیز با توجه به جایگاه علمی امام باقر علیه السلام و



رویکرد ایشان نسبت به عبدالله بن عمر (شوشتری، قاموس الرجال، ۱۴۱۵: ۵۳۸/۶) این داستان دور از واقع به نظر می‌رسد. ضمن اینکه امام باقر علیه السلام هنگام مرگ عبدالله بن عمر در سال ۷۳ ه.ق (بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۲۲: ۵۲۱/۱) تقریباً ۱۷ سال سن داشته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: بحارالانوار، ۲۱۲/۴۶). مالک بن انس همین استفتاء را از عبدالله بن عمر نقل کرده، بی آن که پرسش‌کننده یا راوی را نام ببرد (مالک، الموطأ، ۱۴۰۶: ۳۰۸/۱). شافعی واسطه مالک از ابن عمر را نافع دانسته است (شافعی، الأم، ۱۴۱۰: ۲۶۶/۷). بنا بر سند دیگر، نافع این حدیث را با واسطه‌ی ابن ابی‌لیبیه از ابن عمر روایت کرده است (قاسم بن سلام، الناسخ والمنسوخ، ۱۴۱۸: ۶۳/۱). ابن ابی‌لیبیه گفته است: عبدالله بن عمرو بن عثمان او را فرستاده تا این سؤال را از ابن عمر بپرسد (عبدالرزاق: المصنف، ۱۴۰۳: ۲۱۷/۴). بنا بر روایت عبدالله بن عمر از نافع، زن بارداری که موضوع این سؤال بوده، دختر خود عبدالله بن عمر بوده که در عقد یکی از مردان قریش بوده است (دارقطنی، السنن، ۱۴۱۸: ۱۶۶/۲). با توجه به اینکه حفصه دختر عبدالله بن عمر، مادر عبدالله بن عمرو بن عثمان بوده است (بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷: ۶۰۲/۵) تردیدی نمی‌ماند که این استفتاء به عبدالله بن عمرو بن عثمان، نوه‌ی دختری ابن عمر مربوط است. انس بن عیاض همین استفتاء ابن عمر را به طریق امام صادق علیه السلام از ابن ابی‌لیبیه از عبدالله بن عمرو بن عثمان روایت کرده است (بیهقی، السنن الکبری، ۱۴۲۴: ۳۸۹/۴؛ قاسم بن سلام، الناسخ والمنسوخ، ۱۴۱۸: ۶۲/۱). به این ترتیب روشن می‌شود که در روایت جعفریات و روایت حسین بن علوان، نام ابن ابی‌لیبیه حذف و به جای عبدالله بن عمرو بن عثمان نیز امام باقر علیه السلام و به جای دختر عبدالله بن عمر، کنیز امام باقر علیه السلام گذاشته شده است. بسیار دشوار است که بپذیریم این تحریف به‌طور جداگانه در روایت جعفریات و روایت حسین بن علوان، راه یافته است و ناچار باید برای آن دو ریشه‌ی واحدی در نظر گرفت که این مسئله موجب تردید جدی در اصالت روایت جعفریات است.

در جای دیگر از علی بن الحسین علیه السلام روایت شده است: «كَانَ شِعَارَ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ مُسَيْلَمَةَ يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ» (ابن‌اشعث، الجعفریات، بی تا، ۸۴) و نیز روایت شده است: «كَانَ شِعَارَ الْمُسْلِمِينَ مَعَ خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ فِي الرَّحْبَةِ أَمِثٌ أَمِثٌ» (همان، ۸۴). نقل شعار صحابه در جنگ‌هایی که در زمان ابوبکر به فرماندهی خالد بن الولید رخ داده تناسب چندانی با فضای روایات امامان ندارد؛ به‌ویژه که از ایشان حدیث قابل اعتنای دیگری درباره‌ی جنگ یمامه یافت نشد^[۵] روایت نخست در منابع پیشین از متفردات هشام بن عروة از پدرش بوده است. یعقوب بن عبد الرحمن، عبده بن سلیمان، معمر بن راشد، وکیع، ابومعاویه و حماد بن سلمه آن را از هشام بن عروة روایت کرده‌اند (سعید بن منصور، السنن، ۱۴۰۳: ۳۷۶/۲؛ سجستانی، مسند عائشة، ۱۴۰۵: ۸۵؛ عبدالرزاق:



المصنف، ۱۴۰۳: ۲۳۲/۵؛ ابن ابی شیبة، المصنف، ۱۴۲۵: ۷۱۷/۷؛ ج ۸/۴؛ بلاذری، فتوح البلدان، ۱۹۸۸: ۹۵/۱^[۶]. روایت دوم نیز از متفردات ابوعمیس عتبة بن عبدالله مسعودی از ایاس بن سلمة از پدرش سلمة بن اکوع اسلمی است که ظاهراً خودش همراه خالد بن الولید در جنگ حضور داشته (دارمی، المسند، ۱۴۱۲: ۵۹۲/۳؛ ابو عوانة، المستخرج، ۱۴۱۹: ۵۱۵/۴) و بنابراین - برخلاف امام سجّاد علیه السلام - انگیزه روشنی در نقل آن داشته است.

در احادیث ابن اشعث از غیر موسی بن اسماعیل نیز، یک نمونه نقل معصوم از غیر معصوم دیده می‌شود: «حدثنا يحيى بن الربيع بن شيبان المصري حدثنا سفیان بن عيينة عن جعفر بن محمد عن أبيه عن عبدالله بن جعفر قال: لما جاء نعي جعفر قال رسول الله صلى الله عليه وآله اصنعوا لآل جعفر طعاما فقد أتاهم ما يشغلهم أو أمر يشغلهم» (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۲۱۱). این در حالی است که در کتب اهل سنت، دست کم ۱۴ راوی مستقل، این حدیث را از سفیان بن عیینة از جعفر بن خالد از پدرش روایت کرده‌اند (ابن حنبل، المسند، ۱۴۲۱: ۲۸۰/۳)؛ بنابراین در سند حدیث در جعفریات، خالد به محمّد، تبدیل شده است. این تحریف ممکن است از سوی ابن اشعث یا راویان کتاب او به صورت عمدی یا سهوی صورت گرفته باشد.

ج) منبع یابی کتاب اشعنیات

در بخش قبل به بخشی از مشکلات احادیث اشعنیات پرداختیم. با اتکاء به سند فعلی روایات کتاب، نمی‌توان این مشکلات را تبیین و توجیه کرد و تبار احادیث مشکل دار کتاب را شناخت. با توجه به این مشکلات، تمامی این احادیث نمی‌تواند به صورت یکپارچه از امام کاظم علیه السلام از امام صادق علیه السلام دریافت شده باشد و می‌بایست احتمال وجود منابع دیگری را برای برخی احادیث در نظر گرفت. در این بخش به بررسی قرآنی در این باب می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم تا بر این اساس، منبع یا منابع احادیث کتاب را کشف نماییم.

۱. جعفریات به عنوان یک کل یکپارچه یا حاصل تجميع اجزاء گوناگون؟

در مصنفات حدیثی، در صورتی دو یا چند حدیث با متن یا مضمون یکسان در پی هم می‌آید که در سند آن تفاوتی باشد (نمونه: احادیث متعددی که با متن یکسان در ابواب مختلف بصائر الدرجات، قابل مشاهده است). اینکه احادیثی پشت سر هم با سند و متن یا مضمون یکسان ذکر شود، غیر عادی است و به سادگی قابل تبیین نیست. چنین مواردی اگر انگشت شمار باشد، می‌تواند قرینه‌ای بر ارسال خفی منبع واسط مصنف تلقی شود؛ مثل برخی نقل‌های برقی از پدرش محمد بن خالد. در این



نقل‌ها، برقی پدر با دو واسطه متفاوت از یک راوی، حدیثی یکسانی را نقل کرده بوده که مرسل بودن نقل‌ها منجر به اتحاد سند و متن دو حدیث پشت سر هم شده است (برقی، المحاسن، ۱۳۷۱: ۱/۱۳۳)؛ اما در صورتی که این پدیده در یک مصنف با سند ثابت مثل جعفریات، تکرار شود، می‌تواند ابهام‌آفرین باشد. در جعفریات با کثرت این پدیده مواجه هستیم (ابن‌اشعث، الجعفریات، بی‌تا، ۱۱، ح ۲-۴؛ ۲۲، ح ۱و۲؛ ۱۰۶، ح ۱و۲؛ ۱۳۲، ح ۳و۲؛ ۱۴۰، ح ۵و۴؛ ۱۴۱، ح ۶و۵؛ ۲۳۲، ح ۶ و ۲۳۳، ح ۲). موارد دیگری نیز وجود دارد که متن یا مضمونش یکی است، ولی در سندش تفاوت اندکی دیده می‌شود (همان، ۲۳، ح ۴-۵ و ح ۶-۷؛ ص ۱۰۴، ح ۲-۳). اگر جعفریات در اصل برگرفته از منابع مختلفی باشد، این پدیده قابل فهم است. اما وقتی کل روایات کتاب با یک سند ثابت نقل شده، کثرت این پدیده می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که شکل فعلی این مصنف، اصیل نیست؛ توضیح بیشتر آن که وقتی در یک مصنف یک راوی از یک شیخ ثابت روایت می‌کند و مکرراً مشاهده می‌شود که روایاتی یکسان به صورت پشت سر هم ذکر شده، بهترین تبیین برای این پدیده آن است که در منبع اصلی مصنف، این روایات از منابع مختلف در کنار هم گرد آمده بودند و لذا تکرار روایت در عین یکسانی یا نزدیکی لفظ آن‌ها ناشی از کنار هم قرارگرفتن نسخه‌های مختلف موجود از این روایت در منابع متفاوت بوده است. در چنین شرایطی یا سند ثابت مؤلف این مصنف باید مرسل باشد - مثل نمونه‌ای که بالاتر از برقی ذکر شد- یا کل احادیث این مصنف می‌بایست بدون سند گردآوری شده باشد. در فرض دوم، سند ثابت ابتدای احادیث را می‌بایست حاصل تکرار و تسری سند ابتدای مصنف به تک‌تک احادیث داخل آن بدانیم.

به‌درستی معلوم نیست که کتاب جعفریات فعلی - که تحریری است به روایت ابن‌سقا از ابن‌اشعث - از ابتدا اسانیدی تکرارشونده داشته یا احادیث کتاب در ابتدا به صورت تعلیق‌یافته ثبت شده بوده و بعدها ابن‌سقا یا فردی از راویان، سند ابتدای کتاب را به تک‌تک احادیث کتاب تسری داده است. اما در هر حال، این مسئله روشن است که در تحریر موجود در نوادر راوندی و نیز برخی قطعات نقل شده در کتب محدثان هم‌عصر (مثلاً ابن‌بابویه، الأمالی، ۱۳۷۶: ۴۶۶؛ جرجانی، الکامل، ۱۴۱۸: ۵۶۵/۷) احادیث کتاب به صورت کاملاً معلق (بدون ذکر بخش تکرارشونده اسناد) از پیامبر ﷺ یا صحابه ثبت شده است. بازمانده‌هایی از این گونه اسناد معلق در کتاب فعلی نیز مشاهده می‌شود (ابن‌اشعث، الجعفریات، بی‌تا، ۱۸۲). قرائن متعددی در تحریر موجود از ابن‌سقا، نشان می‌دهد که تکرار اسانید بر سر تک‌تک احادیث، حاصل یک تبویب متأخر است که پس از نویسنده انجام شده و متن تبویب نشده و بدون سند موجود در نوادر راوندی اصالت بیشتری دارد. مثلاً احادیث بلند متعددی را می‌توان در



تحریر نوادر یا دعائم الاسلام یا نقل‌های متقدمین از ابن‌اشعث یافت که در تحریر ابن‌سقا به‌طور اشتباه از وسط دو نیم شده و به دو حدیث ناقص متوالی با سند یکسان بدل شده‌اند (به‌طور مثال: امالی ابن‌بابویه، را مقایسه کنید با الجعفریات، صفحه ۱۸۳ و نیز النوادر راوندی، صفحه ۳۹ را مقایسه کنید با ابن‌اشعث، ۹۳ و ۹۴ و نیز ابن‌حیون، دعائم، ۱۳۸۵: ۱۴۱/۲ را مقایسه کنید با ابن‌اشعث، ۱۶۸) همچنین در مقایسه تحریر ابن‌سقا با دیگر نسخه‌ها موارد متعددی را می‌توان مشاهده کرد که مقدمه یک حدیث در اثر تبویب حذف شده است (مثلاً ابن‌حیون، دعائم، ۱۳۸۵: ۱۳۵/۲ را مقایسه کنید با ابن‌اشعث/۲۴۴) که باز قرینه‌ای بر تأخر این تبویب است.

بدین ترتیب مشخص شد که نسخه موجود از کتاب جعفریات - تحریر ابن‌سقا - در اثر پردازشی از سوی راوی کتاب، نسبت به نسخه اولیه مؤلف تغییر یافته است. اگر تحریر موجود در نوادر راوندی را اصیل‌تر در نظر بگیریم، می‌توانیم ببینیم که مجموعه گردآوری‌شده جعفریات، در ابتدا بدون سند بوده و بعداً یک سند جدید بر سر کل کتاب آمده است و سپس بر اثر تبویب ابن‌سقا، اسناد ابتدایی بر سر تک‌تک اسانید داخل کتاب تکرار شده است و این موجب یکسان‌سازی اسانید تحریر موجود شده است. بدین‌گونه روشن می‌شود که چرا یکسانی متن یا مضمون به‌صورت اختلال جلوه کرده است. بنا بر این تبیین، به‌نظر می‌رسد سند تکرار‌شونده کتاب برای روایت بیشتر این احادیث، اصیل نیست و مؤلف کتاب، احتمالاً متن روایات را از طرق دیگری به‌دست آورده بوده و به‌صورت بدون سند و پراکنده در جاهای مختلف کتاب خود ثبت کرده بوده است و نهایتاً این سند موجود را تنها در ابتدای کتاب ارائه کرده است. تبویب بعدی ابن‌سقا به این منجر شده است که روایات با مضمون مشترک کنار هم قرار گرفته و همگی یک سند یکسان پیدا کنند.

برای بررسی این احتمال و ریشه‌یابی احادیث کتاب، تنها راه پیش‌رو، جستجوی دقیق برای یافتن نظائر لفظی و معنوی احادیث کتاب در منابع دیگر است. آیا راوی یا راویان دیگری، متقدم بر مؤلف کتاب، مشابه این احادیث را روایت کرده‌اند؟ اگر بله، سهم هر یک چقدر است؟

۲- روش مشابه‌یابی روایات کتاب اشعثیات

برای یافتن روایات مشابه، ابتدا از مجموع ۱۶۶۷ حدیث نسخه موجود، ۲۳۹ حدیث، یعنی بیش از ۷/۱ کتاب انتخاب شد؛ در این فرآیند تلاش ما بر این بود که نمونه انتخابی ما نمایانگر بخش‌های متفاوت کتاب جعفریات باشد. به همین خاطر یک کتاب کامل از کل کتاب‌های جعفریات انتخاب شد: کتاب طهارت (شامل ۱۶۴ حدیث) که حدود ۱۰ درصد حجم کتاب را تشکیل می‌دهد. سپس برای اطمینان بیشتر، از سه بخش مجزای دیگر با موضوع کاملاً متفاوت (الجهاد، النکاح و الحدود)



نمونه‌های تصادفی برداشته شد. به این صورت که به ترتیب ۱/۴، ۱/۵ و ۱/۸ احادیث این کتاب‌ها با فاصله‌های منظم از ابتدای بخش، مورد مطالعه قرار گرفت. برای یافتن مشابه‌های بیرونی، ابتدا کلیدواژه‌های متمایز متنی، در منابع الکترونیک مانند جامع‌الاحادیث نور، جوامع‌الکلم، کتابخانه مدرسه فقهت و... جستجو شد. سپس به ابواب مرتبط با هر حدیث در جوامع حدیثی شیعه مانند وسائل‌الشیعه و المستدرک‌الوسائل و نیز مصنفات و سنن اهل سنت مانند مصنف ابن‌ابی‌شیبیه، مصنف عبدالرزاق: سنن بیهقی و... مراجعه شد. بعد از آن برای اطمینان بیشتر، تخریجات مشتاق صالح المظفر در پاورقی جعفریات بررسی شد. به این ترتیب روایات مشابه هر حدیث - از جهت لفظ و معنا- در منابع شیعه و اهل سنت گردآوری شد. به این ترتیب هفت راوی که بالاترین رتبه را در تعداد و میزان مشابهت داشتند مشخص شد. پس از آن با بررسی اجمالی و سریع در برخی بخش‌های دیگر جعفریات، امکان تعمیم آمار به دست آمده به کل کتاب، سنجیده و تأیید شد. درصد تقریبی روایات مشابه هر یک از هفت راوی نسبت به کل روایات جعفریات به دست آمد که در جدول زیر (شماره ۱) مشاهده می‌شود.^[۷]

ردیف	نام راوی	درصد
	اسماعیل بن مسلم سکونی (ر.ک: جدول شماره ۲ در پیوست)	~ ۳۰٪
	مسمع بن عبد الملک (ر.ک: جدول شماره ۳ در پیوست)	~ ۳٪
	مسعدة بن صدقة ^[۸]	> ۲٪
	حاتم بن اسماعیل ^[۹]	> ۲٪
	ابو الیختری وهب بن وهب ^[۱۰]	> ۲٪
	سماعة بن مهران ^[۱۱]	> ۲٪
	حسین بن زید بن علی (علیه السلام) ^[۱۲]	> ۲٪

جدول شماره (۱): راویانی که بیشترین روایات مشابه با روایات جعفریات را نقل کرده‌اند

۳- یک منبع یا منابع متعدد؟

بر اساس جدول شماره (۱) نزدیک به ۳۰ درصد احادیث جعفریات از نظر لفظ و معنا با روایات سکونی یکسان است و در عین حال، احادیث جعفریات با هیچ راوی دیگری، چنین ارتباطی ندارد. بالاترین میزان اشتراک پس از سکونی، کمتر از ۳ درصد است که متعلق به مسمع بن عبد الملک



می‌باشد. یک پرسش اولیه، آن است که آیا ابن اشعث از یک منبع استفاده کرده یا از منابع متفاوت؟ قبل از پاسخ به این پرسش، خوب است به یک وجه تمایز مهم در میان روایات ظاهراً یکدست جعفریات اشاره کنیم. در تمام کتاب، اسناد روایات تا امام صادق علیه السلام یکسان و از آن پس گوناگون است. در بیشتر از ۶۰ درصد از روایات کتاب سند امام صادق به صورت «جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ...» یا «جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام...» ضبط شده است. اما در باقی روایات کتاب، سند نقل امام صادق از پدران نشان این‌گونه نیست. در بسیاری از آن‌ها دیده می‌شود که عبارت زیرخط‌دار «عن جده» در سند نیست و سند به صورت «جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ» یا «جعفر بن محمد عن أبيه قال» یا «جعفر بن محمد عن أبيه أنه» یا «جعفر بن محمد عن أبيه عن (یک صحابی)» آمده است. در احادیث نقل شده با این اسانید متفاوت، الگوهای مشخصی نیز به چشم می‌خورد. به‌عنوان نمونه، روایات کتاب الحدود جعفریات عموماً با سندی شبیه «عن جعفر بن محمد عن أبيه» از امیرالمومنین علیه السلام روایت شده و حکایت‌گر قضاوت‌های آن حضرت هستند. این سند برخلاف سند معمول در اکثر کتاب است. اگر مؤلف کتاب اشعثیات، کل احادیث کتاب را از یک منبع واحد برگرفته بود، اصولاً نباید اسانید کتاب الحدود با اسانید اکثر کتاب فرق می‌کرد. اینکه مؤلف از چند الگوی سندی برای مسندسازی احادیث امام صادق استفاده کرده، نمی‌تواند تصادفی باشد و سرنخی برای تعیین منابع کتاب است.

با استفاده از این سرنخ، به روایات رویان بعدی موجود در جدول رجوع کنیم. راوی دوم، مسمع بن عبدالملک ملقب به کردین است. در ابتدا ممکن است این طور به نظر برسد که احتمالاً ابن اشعث دفتری از احادیث او را نیز در دسترس داشته و به آن رجوع کرده، اما اسانید روایاتی که مشابه آن را مسمع نقل کرده، مشابه اسانید روایات سکونی است. از طرف دیگر، با رجوع به جدول‌های شماره (۲) و (۳) در پیوست معلوم می‌شود که هیچ مورد مشترکی میان جعفریات و مسمع بن عبدالملک نیست، مگر آن که به طریق سکونی نیز روایت شده است؛ بنابراین ارتباط جعفریات با روایات مسمع بن عبدالملک، نه به صورت مستقیم، بلکه از رهگذر ارتباط با سکونی است. در پژوهش دیگری نشان داده شده است که این دست روایات که عموماً از طریق عبدالله بن عبدالرحمن الاصم به مسمع بن عبدالملک نسبت داده شده، در واقع برگرفته از کتاب سکونی بوده و دچار قلب اسناد شده است (قندهاری، میراث حدیثی عبدالله بن عبدالرحمن اصم، در دست انتشار).

اما درباره پنج راوی دیگر اگر به سند مشترکات آن‌ها با جعفریات، دقت کنیم، متوجه می‌شویم که بسیاری از اوقات اسانید آن‌ها با اسانید مشترکات سکونی متفاوت است. مثلاً برخی روایات جعفریات



که مشابه آن را حاتم بن اسماعیل نقل کرده، با این سند روایت شده: «عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبِي عَلِيٌّ بِنُ الْحُسَيْنِ» (حدیث ۲۱) و یا امام صادق در آن‌ها با واسطه پدرشان از یکی از صحابه نقل می‌کنند. به عبارت دیگر، اسانید احادیثی در جعفریات که مشابهی از حاتم بن اسماعیل دارند، در این ویژگی مشترکند که در سند آن‌ها، عبارت «عن ابیه عن جدّه» به چشم نمی‌خورد. این اتفاق برای احادیثی که مشابهی از دیگر روات عامی مدینه دارند، نیز قابل مشاهده است.

از طرف دیگر، شباهت خیره‌کننده در برخی متون نسبتاً بلند، ما را مطمئن می‌سازد که دفاتر این راویان نیز از منابع ثانویه ابن‌اشعث بوده است. برای مثال به این نمونه دقت کنید: «... جعفر بن محمد عن أبيه قال: كان علي بن الحسين يأمر الصبيان أن يصلوا المغرب والعشاء جميعاً والعصر جميعاً فيقال لهم يصلون الصلاة لغير وقتها فيقول هو خير من أن يناموا عنها» (ابن‌اشعث، جعفریات، بی‌تا، ۵۱). در مصنف ابن‌ابی‌شیبیه (م ۲۳۵ ق) که سال‌ها پیش از جعفریات نگارش شده، این حدیث عیناً با همین متن و سند از حاتم بن اسماعیل روایت شده است (ابن‌ابی‌شیبیه، المصنف، ۲/۳: ۲۰۴؛ ابن‌اشعث، جعفریات، ۱۸، ح ۵؛ با خطیب بغدادی، المتفق والمفترق، ۲/۹۶۹).

این شباهت عجیب متن و سند، در مورد برخی از دیگر روات عامی مدینه مانند سلیمان بن بلال، ابراهیم بن محمد بن ابی‌یحیی، و ابوضمره انس بن عیاض نیز به چشم می‌خورد که نمی‌تواند اتفاقی باشد. به‌عنوان یک نمونه، تشابه حدیثی از سلیمان بن بلال با حدیث متناظر آن در اشعثیات، در بخش ۲-۴ مورد بررسی قرار گرفت. می‌دانیم ربیع بن سلیمان مصری (م ۲۷۵)، ملقب به صاحب شافعی، احادیث راویان مدنی را از طریق شافعی و عبدالله بن وهب دریافت کرده و در مصر، بوم تألیف کتاب جعفریات، رواج داده است. تعداد زیادی از روایات این راویان با همین طریق در کتاب السنن الکبری بیهقی به چشم می‌خورد که اتفاقاً تشابه زیادی بین متون و اسانید روایات آنان از امام صادق علیه السلام و روایات جعفریات به چشم می‌خورد. پژوهش دربارهٔ تک‌تک راویان بعدی جدول بالا و نحوه دسترسی مؤلف کتاب به روایات آنان، فراتر از گنجایش مقاله حاضر است؛ لذا در ادامه این مقاله تنها به مهم‌ترین منبع کتاب، یعنی سکونی می‌پردازیم.

با توجه به سرنخ ارائه شده، می‌توانیم درصد احادیث مشابه سکونی را یک بار دیگر و با محدودکردن دامنه جستجو به احادیث با سندی مشخص مجدداً محاسبه کنیم. این کار در جدول شماره (۴) در پیوست انجام شده است. به نظر می‌رسد روایاتی از جعفریات که با سند کامل (سطرهای اول تا چهارم جدول شماره ۴) ارائه شده، با روایات سکونی اشتراک بیشتری دارد. به این ترتیب با محدودکردن دامنهٔ مشابه‌یابی به این اسناد، درصد شباهت روایات سکونی از ۳۰ درصد به ۴۴ درصد افزایش می‌یابد و درصد شباهت برای دیگر راویان بسیار کمتر می‌شود.



د) رابطه جعفریات با کتاب سکونی

در بخش قبل دیدیم که احادیث جعفریات، بیشترین اشتراک را با احادیث سکونی دارند. سکونی دارای کتاب یا کتاب‌هایی بوده است (طوسی، الفهرست، ۱۴۲۰: ۳۳) که در این بخش می‌خواهیم ارتباط جعفریات با کتاب سکونی را بیشتر تبیین کرده و فرضیه‌های مختلف در این باره را بررسی کنیم.

۱- شباهت لفظی عجیب بین روایات سکونی و جعفریات

با توجه به جدول شماره (۲) در پیوست، از ۲۳۹ حدیث بررسی شده، ۷۱ حدیث با سکونی مشترک بود که از این میان ۶۲ مورد (یعنی بیش از ۸۷ درصد) دارای شباهت لفظی کامل است؛ یعنی از نظر لفظی اختلافی میان دو حدیث نیست یا اگر اختلاف جزئی هست با پدیده‌های ساده مانند تصحیف، تقطیع، ادراج، سقط و... قابل توضیح است. این درصد بالا از یکسانی لفظ، بنا بر اساس اصل همبستگی سند و متن (قندهاری، بازشناسی هویت تاریخی سلیم بن قیس هلالی، بخش ۲-۴-۳) بر ریشه و منبع کتبی یکسان و ارتباط مستقیم میان جعفریات و کتاب سکونی دلالت دارد. برای درک بهتر این قاعده، لازم است در مواردی که حدیث جعفریات با سکونی و چند نفر دیگر مشترک است، از روش متن و اسناد، بهره جست. بنا بر این روش، اگر شباهت متنی دو حدیث به حدی باشد که بر ریشه کتبی یکسان دلالت کند؛ باید میان سند آن دو نیز نزدیکی و خویشی باشد و در غیر این صورت بر تعویض و قلب اسناد در دست کم یکی از آن دو دلالت دارد. به عنوان مثال هم در جعفریات و هم در روایت سکونی آمده است: «انَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَهَى أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ» (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۸۰؛ طوسی، التهذیب، ۱۴۰۷: ۱۴۳/۶). همین حدیث را بقیه بن الولید^[۱۳] از اسحاق بن ثعلبة از مکحول از سمره بن جندب روایت کرده است؛ اما در آن به جای لفظ «بلاد»، «آبار» آورده است (طبرانی، مسند الشامیین، ۱۴۰۵: ۳۳۶/۴). در اینجا به نظر می‌رسد نقل بقیه بن الولید دقیق‌تر و لفظ «آبار=چاه‌ها» اصیل‌تر از «بلاد» باشد؛ زیرا اولاً، ریختن سم با چاه بیشتر تناسب دارد؛ ثانیاً، ابن سحنون همین مضمون را از اوزاعی با لفظ «آبار» روایت کرده است (قیروانی، النوادر، ۱۹۹۹: ۶۹/۳). بنابراین در کتاب سکونی تصحیفی رخ داده که عیناً در جعفریات نیز تکرار شده است. اینکه کتاب سکونی را منبع جعفریات در نظر بگیریم ساده‌تر از آن است که بپذیریم تحریف یکسانی در دو طریق مستقل راه یافته است.

نمونه دیگر حدیثی درباره «وسوسه» با بیش از ۶۰ واژه که با الفاظ یکسان هم در جعفریات و هم از سکونی روایت شده است (ابن اشعث، الجعفریات، ۳۷، ح ۴؛ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۳۳۸/۱). در منابع شیعه به جز سکونی کسی آن را روایت نمی‌کند؛ اما در منابع اهل سنت،



مهاجر بن منیب آن را با حفظ معنا و الفاظ کاملاً متفاوت (تنها با ۴۶ واژه) روایت کرده که از متفردات او به‌شمار می‌رود (بزار، مسند، ۲۰۰۹: ۳۲۷/۶؛ عقیلی، الضعفاء، ۱۴۰۴: ۲۰۹/۴). همچنین در جعفریات حدیثی شامل ۳۴ واژه درباره «خواص میوه به»، روایت شده که تنها با حدیث سکونی یکسان است (ابن‌اشعث، الجعفریات، بی‌تا، ۲۴۴؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۳۵۷/۶؛ برقی، محاسن، ۱۳۷۱: ۵۴۹/۲). این حدیث به طرق دیگر با گونه‌های متفاوتی نقل شده است (ابن‌بابویه، الخصال، ۱۳۶۲: ۱۵۷/۱؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۳۵۷/۶؛ برقی، محاسن، ۱۳۷۱: ۵۴۹/۲، ۵۵۰؛ ابن‌ماجه، السنن، ۱۴۳۰: ۴۶۱/۴؛ مقدسی، الأحادیث المختارة، ۱۴۲۰: ۳۹/۳؛ جرجانی، الكامل، ۱۴۱۸: ۱۹۷/۵). همچنین باید از حدیث گفتگوی زبان انسان با خداوند در روز قیامت با ۵۵ واژه (ابن‌اشعث، الجعفریات، بی‌تا، ۱۴۷، ح ۶؛ با کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۱۵/۲) و حدیث سخنرانی ابوذر با ۱۲۵ کلمه (ابن‌بابویه، الخصال، ۱۳۶۲: ۴۰/۱؛ ابن‌حیون، الايضاح، ۱۳۸۲: ۶۹) یاد کرد.

۲- قرائن ساختاری ارتباط با دفتر سکونی

می‌توان در ترتیب و نوع ارتباط احادیث جعفریات، قرائنی یافت که نشان دهد بر پایه کتاب دیگری تنظیم شده است. به‌عنوان مثال، باب الولیمة شامل دو حدیث است (ابن‌اشعث، الجعفریات، بی‌تا، ۱۶۴) که حدیث اول به طریق سکونی از امام صادق علیه السلام روایت شده است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۳۶۸/۵). اما حدیث دوم در جای دیگری یافت نشد. با این حال به نظر می‌رسد حدیث دوم را نیز سکونی روایت کرده است؛ زیرا برخلاف غالب احادیث جعفریات، حدیث دوم با عبارت «قال جعفر بن محمد» به سند حدیث پیشین تعلیق شده است. این نشان می‌دهد که این دو حدیث در اصل یک روایت را تشکیل می‌دهند. حال اگر به باب «کم تستحب الولیمة» از سنن ابی‌داود مقایسه کنیم در می‌یابیم که این باب شامل یک روایت دوبخشی از هم‌ام از قتاده است (ابوداود، السنن، ۱۴۳۰: ۵۷۳/۵) که شامل هر دو جزء روایت جعفریات بوده و از نظر لفظ، ترتیب، ساختار، طبقه و حتی شیوه تعلیق کاملاً با آن مطابق است. بخش دوم در جعفریات به امام سجاد علیه السلام و در روایت قتاده به سعید بن مسیب نسبت داده شده است. روایت هم‌ام از قتاده با همین ترتیب و ساختار در منابع دیگر نیز آمده است (معمربن‌راشد، الجامع، ۱۴۰۳: ۴۴۷/۱؛ دارمی، مسند، ۱۴۱۲: ۱۳۱۱/۲؛ بیهقی، السنن الکبری، ۱۴۲۴: ۴۲۴/۷). بخش نخست حدیث قتاده به‌تنهایی نیز در برخی منابع آمده است (نمونه: ابن‌ابی‌شبیبة، المصنف، ۱۴۲۵: ۳۴۶/۸، ۳۵۴) چنان‌که بخش دوم آن نیز به‌تنهایی در برخی منابع آمده است (نمونه: ابن‌حنبل، ۱۴۲۲: العلل، ۳۳۱/۳؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۷: الطبقات، ۶۹/۵). شباهت کامل دو روایت در معنا، لفظ، تعداد اجزاء، ترتیب، ساختار، شیوه تعلیق طبقه و... نمی‌تواند



اتفاقی باشد و ناچار بر اقتباس یکی از دیگری دلالت دارد. روایت همّام از قتاده، به دلیل تقدّم و تعدّد منابع، بر روایت جعفریات ترجیح دارد. ضمناً روایت جعفریات با سیره عملی منسوب به امام کاظم علیه السلام تعارض دارد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲۸۱/۶)^[۱۴].

علاوه بر این گاهی ترتیب احادیث سکونی در منابع دیگر، مانند ترتیب همین احادیث در جعفریات یا نزدیک به آن است (نمونه: کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۰۸/۶، ح ۱۳-۱۴ با ابن اشعث، جعفریات، ۱۱۲، ح ۲-۳؛ قس: ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۱۲، ح ۲-۳؛ با کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۰۸/۶، ح ۱۳-۱۴؛ قس: ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۸۴، ح ۳-۴؛ با کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۴۷/۵، ح ۲؛ قس: ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۲۲۹، ح ۳-۵؛ با کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ۶۴۴/۲، ح ۱-۳) گاهی نیز احادیثی که از سکونی در منابع دیگر به صورت پیوسته روایت شده، جعفریات به صورت تقطیع و احادیث جداگانه و پشت سر هم آورده است (نمونه: ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۴۵، ح ۴-۵؛ قس: طوسی، التهذیب، ۱۴۰۷: ۲۵۰/۶، ح ۴۸؛ ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۸۴، ح ۴؛ ص ۱۸۵، ح ۱؛ قس: کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۴۷۵/۶، ح ۴؛ قس: ابن اشعث، جعفریات، ۱۹۳، ح ۱-۲؛ با کلینی، الکافی، ۲۷۵/۶)

۳- اشتراک اشعثیات با نقل‌های سکونی از غیر امام صادق علیه السلام

علاوه بر یکسانی روایات جعفریات با روایات سکونی از امام صادق علیه السلام، تعداد قابل توجهی از آن‌ها با روایات سکونی از مشایخ عامی او مشابهت دارند. به عنوان نمونه باید از روایت سکونی از ابن جریج درباره رساندن آب به چشم هنگام وضو (قس: ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۷، ح ۱؛ با ابن بابویه، ثواب الاعمال، ۱۴۰۶/ق ۱۷؛ همو، علل الشرائع، ۱۳۸۵: ۲۸۰/۱) یاد کرد که البته در منابع اهل سنت از متفردات و منکرات بختری بن عبید بن سلمان شمرده شده است (جرجانی، الکامل، ۱۴۱۸: ۲۳۸/۲؛ ابومطیع، احادیث ابی مطیع، ح ۵۴). همچنین حدیث نهی از بردن سلاح در عیدین (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۳۸) که هم از طریق سکونی از امام صادق علیه السلام (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۴۶۰/۳) و هم از طریق سکونی از ابن جریج روایت شده است (ابن ماجه، السنن، ۱۴۳۰: ۳۴۶/۲؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ۱۴۱۵: ۱۸۵/۱۱)^[۱۵].

نمونه‌های دیگر عبارت‌اند از: روایت سکونی از ثور بن یزید (نسفی، القندی ذکر علماء سمرقند، ۶۸۵؛ راوندی، النوادر، ۱۷)، روایت سکونی از برد بن سنان (ابن شاهین، الترغیب، ۱۵۴؛ راوندی، النوادر، ۱۹-۲۰، ۲۷) و روایت سکونی از محمد بن بشر الأسلمی (أطراف الغرائب و الأفراد، ۲۳۶/۳؛ راوندی، النوادر، ۲۶)، روایت سکونی از جویر (سیوطی، الزيادات علی الموضوعات، ۱۲۵/۱؛



عبدالله بن اشعث، جعفریات، ۱۸۰)، روایت سکونی از ابان بن ابی عیاش (قس: ابن حجر، زهر الفردوس، ۱۲۶/۶، ح ۲۲۷۱؛ ابن اشعث، الجعفریات، ۲۱۲)، دو روایت سکونی از هشام بن عروة (مکی، قوت القلوب، ۱۷۷/۲؛ ابن اشعث، الجعفریات، ۵۹؛ خطیب بغدادی، المتفق والمفترق، ۳۷۱؛ با ابن اشعث، الجعفریات، ۱۸۵)، روایت سکونی از معاذ بن جبل (ابن عراق، تنزیة الشریعة ۲/۲۱۶؛ با ابن اشعث، جعفریات/۲۸) و روایت سکونی از لیث (قس: ختلی، الدیباچ، ۲۵/۱؛ با ابن اشعث، جعفریات، ۲۳۷).

نمونه جالب دیگر روایتی در مذمت غضب است (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۶۳، ح ۸) که هم از طریق سکونی از امام صادق علیه السلام (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۳۰۲/۲) و هم از طریق سکونی از بهز بن حکیم روایت شده است (ابن عساکر، تاریخ دمشق، ۱۴۱۵: ۸۰/۲۳). مخیس بن تمیم نیز همین حدیث را از بهز بن حکیم روایت کرده (همان، ۲۷/۵۲) که می تواند مؤید اصالت انتساب آن به بهز بن حکیم باشد.

۴- نقل منفردات سکونی

در جعفریات، احادیث متعددی دیده می شود که به طور کلی یا دست کم در منابع شیعه از غیر سکونی روایت نشده است. اشتراک در عین تفرد ارتباط جعفریات با روایات سکونی را بهتر نشان می دهد. به عنوان مثال، در گزارش یکی از قضاوت های امیرالمؤمنین علیه السلام در جعفریات جزئیاتی آمده (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۲۵، ح ۷؛ ابن حیون، دعائم، ۱۳۸۵: ۴۰۹/۲). که تنها در روایت سکونی - آن هم با لفظ نزدیک - روایت شده است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲۸۸/۷). در روایات مشابه دیگر، این کیفیت و جزئیات ذکر نشده است (شافعی، الأم، ۱۴۱۰: ۳۵۰/۷؛ عبدالرزاق المصنف، ۱۴۰۳: ۴۸۰/۹؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۴۹/۲۹).

حدیث «لَوْ كَانَ يَنْبَغِي أَحَدٌ أَنْ يُرْجَمَ مَرَّتَيْنِ لُرْجِمَ اللُّوطِيُّ» نیز علاوه بر جعفریات تنها از طریق سکونی از امام صادق علیه السلام روایت شده است (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۲۶؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۹۹/۷) و در منابع اهل سنت این جمله به ابراهیم نخعی نسبت داده می شود (آجری، ذم اللواط، ۶۴-۶۵). نمونه دیگر نسبت حدیث «كَثْرَةُ الشَّعْرِ فِي الْجَسَدِ تَقْطَعُ الشَّهْوَةَ» به امیرالمؤمنین است (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۲۳۹؛ با ابن بابویه، ۱۴۱۳: الفقیه، ۴۷۲/۳).^[۱۶]

نمونه دیگر، گزارشی از قضاوت امیرالمؤمنین درباره حدّ شارب الخمر است که تنها از طریق ابن اشعث و سکونی به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۳۳، ح ۹؛ طوسی، ۱۴۰۷: التهذیب، ۹۷/۱۰). محتوای این روایت، از نظر لفظ و معنا مطابق با گزارش ابن جریج



و معمر از پاسخ مکتوبی است که عمر بن خطاب برای یعلی بن امیه، والی خود در یمن فرستاده بود (عبدالرزاق: المصنف، ۱۴۰۳: ۲۲۸/۹؛ نحاس، الناسخ والمنسوخ، ۱۴۰۸: ۱۵۲؛ ابن حزم، المحلی، بی تا، ۲۱۵/۶). به نظر می‌رسد انتساب این حدیث به عمر بن خطاب بر انتساب آن به امیرالمؤمنین علیه السلام ترجیح دارد؛ زیرا مضمون این حدیث، برخلاف دیگر احادیث امامیه (نجفی، واهر، ۱۹۸۱: ۴۴۹/۴۱)^[۱۷] و موافق فتاوی اهل رأی مانند سفیان ثوری و ابویوسف است (ابن ملقن، التوضیح، ۱۴۲۹: ۱۱۲/۲۷). با توجه به اینکه سکونی از ابن جریر روایت می‌کند (مزّی، التهذیب الکمال، ۱۴۰۰: ۹۶/۳) و برخی از روایات او از ابن جریر به ناروا به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است (بخش ج-۳) به نظر می‌رسد در اینجا نیز روایت سکونی در اصل از ابن جریر و درباره عمر بن خطاب بوده است؛ نه از امام صادق علیه السلام و درباره امیرالمؤمنین علیه السلام.

همچنین در جعفریات مجموعه‌ای از احادیثِ اوائل به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۲۸، ح ۶؛ ص ۲۴۰، ح ۷) که تنها در روایت سکونی دیده می‌شود (طوسی، التهذیب، ۱۴۰۷: ۱۷۰/۶؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۴۹/۵؛ ۳۱۷/۶، ۴۶۲؛ برقی، محاسن، ۱۳۷۱: ۴۰۲/۲). در منابع اهل سنت بیشتر فقرات این مجموعه از افراد دیگر روایت شده است. به‌عنوان نمونه سه فقره از این مجموعه را مسعودی از قاسم بن عبد الرحمن بن عبدالله بن مسعود روایت کرده است (خلعی، خلعیات، بی تا، ۳۰۸/۱؛ طبرانی، الاوائل، ۱۴۰۳: ۱۱۷). دو فقره را نیز ابوبکر بن عیاش از عاصم بن ابی النجود از زرّ بن حبیش از عبدالله بن مسعود روایت کرده است (طبرانی، المعجم الاوسط، بی تا، ۳۷۸/۵؛ واحدی، الوسیط، ۱۴۱۵: ۴۸۶/۱). هر دو سند با خاندان ابن مسعود مرتبط است.^[۱۸] علاوه بر اشکالِ تفرّد و وجود انتساب‌های موازی، از جهت محتوایی نیز انتساب برخی از این فقرات به امام صادق علیه السلام با تردید روبرو است. به‌عنوان مثال، فقره «أَوَّلُ مَنْ اخْتَنَّ إِبرَاهِيمُ اخْتَنَّ بِالْقُدُومِ عَلَی رَأْسِ سِتِّینَ سَنَةً مِنْ عُمَرِهِ» (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۲۸) از احادیث عامی است (معمر بن راشد، الجامع، ۱۴۰۳: ۱۷۵/۲) که در حدیث دیگری منسوب به امام صادق علیه السلام تکذیب شده است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۳۵/۶، ح ۴). فقره «أَوَّلُ مَوْلُودٍ فِی الْإِسْلَامِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الزُّبَیْرِ...» (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۲۴۱) نیز از افتخارات زبیریان بوده و توسط کسانی چون هشام بن عروة بن زبیر (بخاری، الصحیح، ۱۴۲۲: ۶۲/۵) و مصعب بن عبدالله زبیری (نیشابوری، ۱۴۱۱: المستدرک، ۶۳۱/۳) تبلیغ می‌شده است. همچنین فقره ی مدح‌آمیز «أَوَّلُ مَنْ رَمَى سَهْمًا فِی سَبِيلِ اللَّهِ سَعْدُ بْنُ ابِی وَقَّاصٍ» (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۲۴۰؛ طوسی، التهذیب، ۱۴۰۷: ۱۷۰/۶) در منابع اهل سنت به جابر بن سمرة نسبت داده شده که (ابن ابی شیبّه، ۱۴۲۵: مصنف، ۲۹۴/۱۰) خواهرزاده



سعد بن ابی وقاص بوده است (ابونعیم، معجم الصحابة، ۱۴۱۹: ۵۴۴/۲). این ادعایی است که به خود سعد بن ابی وقاص منسوب است (ترمذی، ۱۳۹۵: السنن، ۵۸۲/۴) و دختر شعری از او در مباهات به این فضیلت روایت کرده است (ابن سعد، الطبقات، ۱۴۱۷: ۷۵/۳). چنان که مردان قبیله او (بنی زهره) اشعاری در مدح سعد بن ابراهیم، نوه دختری سعد بن ابی وقاص آورده اند که در آن به همین فضیلت افتخار شده است (ابونعیم، حلیة الاولیاء، ۱۳۹۴: ۱۶۹/۳). علاوه بر تردیدهایی که در درستی این دعاوی قبیله ای وجود دارد؛ اساساً امام صادق علیه السلام چه انگیزه ای برای نقل افتخارات خاندان زبیر و خاندان سعد بن ابی وقاص داشته اند؟

۵- تبیین ارتباط بینامتنی کتاب جعفریات و کتاب سکونی

با توجه به آنچه در این بخش و بخش قبل گذشت؛ کتاب جعفریات ارتباط نزدیکی با کتاب سکونی دارد. برای تبیین این ارتباط دو فرضیه اصلی قابل طرح است که در اینجا به ارزیابی هر یک از آنها می پردازیم.

فرضیه اول: اشتراک امام کاظم علیه السلام و سکونی در اخذ حدیث از امام صادق علیه السلام

میرزا حسین نوری این فرضیه را این گونه توضیح داده که سکونی در مجلسی که امام صادق علیه السلام به فرزندش کاظم علیه السلام سنت جدش را القاء می کرده، حضور و با امام کاظم علیه السلام در تلقی حدیث از پدرش علیه السلام مشارکت داشته و این بر بلندی مرتبه و نزدیکی سکونی به امام صادق علیه السلام دلالت دارد (نوری، المستدرک، ۱۴۰۸: ۱۶۵/۲۲). این فرضیه با چند اشکال روبه رو است:

- تعدادی از احادیث جعفریات با روایات سکونی از غیر امام صادق علیه السلام مشترک است (بخش ج - ۳)؛ بنابراین اساساً سکونی تعدادی از این روایات را از امام صادق علیه السلام نگرفته تا فرض جلسه مشترک او با امام کاظم علیه السلام مطرح شود.

- در بخش های (الف و ج) نمونه هایی از جعفریات را نشان دادیم که انتساب آن به امام کاظم علیه السلام و امام صادق علیه السلام قابل پذیرش نیست.

- در بخش (الف - ۸) نشان دادیم که بسیاری از احادیث جعفریات برخلاف فقه شیعه است. طبعاً این ویژگی با فرض یک جلسه خصوصی که در آن امام شیعه در حضور یکی از اصحاب خاص خود، دانش خود را به امام بعد منتقل کرده باشد، تناسب ندارد.

علاوه بر این اشکالات، ابهامات و چالش های دیگری نیز در برابر فرضیه میرزا حسین نوری مطرح است که عبارت اند از:

- تشابه بسیار میان برخی احادیث جعفریات و احادیث غیر سکونی است؛ چنان که در بخش (ج) به آن پرداخته شد.



- به‌خاطر نقل به معنا، احادیث متعدّد و طولانی صادر شده در قرن دوم، عموماً در دو طریق مستقل از هم، الفاظ متفاوتی پیدا می‌کنند؛ حال اگر دو روایت بلند صادر شده از امام صادق علیه السلام، الفاظ متمایز یکسانی داشته باشند، طبق قاعده «همبستگی متن و منبع» (قندهاری، بازشناسی هویت تاریخی سلیم بن قیس هلالی، ۱۳۹۸: بخش ۲-۴-۳)، می‌بایست منبع مکتوب مشترکی داشته باشند.

- ارتباط و دیدار چندباره یا پیوسته‌ی سکونی با امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام، با ابهامات و اشکالات متعددی روبه‌روست؛ به‌خصوص که هیچ شاهد تاریخی‌ای این ارتباط نزدیک میان سکونی و امامان علیهم السلام را تأیید نمی‌کند. لازم به توجه است که اخذ این تعداد حدیث به‌صورت شفاهی در یک مجلس ممکن نبوده و نیازمند ارتباط طولانی‌تری است. هیچ قرینه‌ای از حضور امام کاظم علیه السلام هنگام تلقی در متن و سند احادیث سکونی دیده نمی‌شود و از آن طرف نیز، هیچ شهادی از حضور سکونی در متون و اسناد جعفریات به چشم نمی‌خورد.

- بنا بر باور عمومی شیعیان، کیفیت انتقال علم امامی به امام دیگر، از نوع مجالس عادی تحدیث آن هم با ذکر سند متصل تا پیامبر صلی الله علیه و آله نیست.

- اگر کسی فرض کند که اسماعیل بن موسی بن جعفر، روایات سکونی را بر امام کاظم عرضه نموده، باز هم بیشتر این اشکالات و ابهامات باز بر سر جای خود خواهد بود؛ لذا این فرض نیز قابل قبول نیست.

فرضیه دوم: جعفریات حاصل گردآوری دفتر سکونی و دفاتر راویان عامی مدنی از حدیث امام صادق علیه السلام
با توجه به اشکالاتی که پیرامون فرضیه پیشین مطرح شد، انتساب این احادیث به امام کاظم علیه السلام قابل دفاع نیست. از طرف دیگر، در بخش (ب-۲) دیدیم که حدود ۳۰ درصد کلّ روایات جعفریات یا حدود ۴۴ درصد روایات با اسانید کامل را می‌توان در مرویات سکونی ردّیابی کرد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت، مؤلف جعفریات این احادیث را از کتاب سکونی اخذ کرده است. این واقعیت تبیین خوبی می‌باشد برای انواع ارتباطاتی که بین روایات جعفریات و روایات سکونی یافت شد. مشابه این کار را برای دیگر اسانید جعفریات نیز می‌توان انجام داد و ارتباط بخش‌های مختلف کتاب جعفریات را با میراث دیگر راویان عامی سنجید؛ بنابراین تبیین بهتر آن است که کتاب جعفریات در حقیقت گردآوری مجموعه‌ای از روایات راویان عامی از امام صادق علیه السلام است که از آن میان سکونی بیشترین سهم را دارا است. برخی از راویان عامی به‌ویژه سکونی، متون احادیث عامه را به امام صادق نسبت می‌داده‌اند (قندهاری و عادل‌زاده، روایات اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی از امام صادق علیه السلام؛ چالش‌ها و تبیین‌ها، در دست انتشار).



ابن اشعث، به گردآوری روایات اهل سنت از امام صادق علاقمند بوده، چنان که درباره حج همین کار را کرده است (نجاشی، الرجال، ۱۳۶۵: ۳۷۹). گزارش مهم نجاشی، این فرضیه را تقویت می کند که ابن اشعث در کتاب جعفریات نیز به مانند کتاب حج خود، روایات اصحاب عامی از امام صادق را گردآوری کرده که طی فرایندی دچار تغییر اسناد شده است. با توجه به نقل ابن عدی، ابن اشعث خود، جعفریات را با همین سند فعلی «عن موسی بن اسماعیل عن ابیه عن جده عن جعفر بن محمد» عرضه کرده است (جرجانی، الکامل، ۱۴۱۸: ۵۶۵/۷)؛ بنابراین نمی توان این تحریف را متأخر از ابن اشعث دانست؛ اما اینکه تحریف سند دقیقاً طی چه فرایندی صورت گرفته و در هر مرحله از این فرآیند، مسئول تصرفات چه کسی است، مسئله ای است که پاسخ آن در این مجال نمی گنجد. در هر حال، این روایات احتمالاً از طریق چند منبع عمده، از جمله کتاب سکونی به دست مؤلف جعفریات رسیده بوده و مؤلف کتاب، اسناد احادیث را حذف و به جای آن سند واحدی قرار داده بوده است.

در پایان شایسته است به این ابهام پردازیم که کتاب سکونی و دیگر میراث راویان مدینه چگونه به دست مؤلف جعفریات رسیده و کتاب جعفریات در بوم مصر شکل گرفته و میراث راویان عامی امام صادق (ع) در قرن سوم چگونه به مصر راه یافته است؟ با بررسی روایات راویان پرکاری مثل محمد بن ادريس شافعی (م ۲۰۴ق) و عبدالله بن وهب بن مسلم (م ۱۹۷ق) متوجه می شویم که این دو نقش مهمی در انتقال میراث راویان عامی امام صادق از مدینه به مصر داشته اند. اما میراث سکونی از امام صادق (ع) در زمان حیات خودش بیشتر در کوفه روایت شده است. با بررسی شاگردان سکونی، چند راوی مهم او را می توان یافت که بعد از فوت او به مصر مهاجرت کرده و احتمالاً این میراث را با خود به مصر برده اند. افرادی مثل: ابویحیی محمد بن یزید، ملقب به صاحب شعیری یا همان سکونی (طوسی، الرجال، ۱۴۱۵: ۱۴۶) یا ابوالحسن علی بن اسباط از راویان مهم سکونی که قرائتی از مصری بودن هر دو در دست است.^[۱۹] در اسانید برخی زیادات موجود در جعفریات، روایت ابن اشعث و نیز موسی بن اسماعیل از محمد بن یزید به چشم می خورد (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۴۷ و ۲۰۶). همچنین طبق نقل های متعدد علی بن اسباط با مصر در رفت و آمد بوده است (صفار، بصائر، ۱۴۰۴: ۲۳۸/۱؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲۳۸/۱). بنابراین این ها می توانند گزینه های احتمالی انتقال حدیث سکونی به مصر باشند.



نتیجه‌گیری

در بخش اول این مقاله دیدیم که صورت فعلی کتاب جعفریات، از نظر ساختار، تطابق زمانی، منابع و... با مشکلات متعددی روبه‌روست. در بخش دوم مقاله، با مشابه‌یابی متنی احادیث جعفریات در دیگر مصادر، تلاش کردیم منابع احتمالی جعفریات را کشف کنیم. بنا به آمار بدست آمده، در حدود ۴۵ درصد احادیثی که با سند «عن جعفر بن محمد عن ایبه عن جدّه عن ایبه عن علی» روایت شده‌اند، برگرفته از روایات سکونی است. این مسئله در کنار شواهدی که در بخش سوم در رابطه با ارتباط متنی و ساختاری بین جعفریات و روایات سکونی بدست آمد، ما را به این نتیجه رساند که مؤلف جعفریات احتمالاً یکی از تحریرهای کتاب سکونی را در اختیار داشته و آن را با تغییر سند روایت کرده است. البته دیدیم که منابع جعفریات منحصر در دفتر سکونی نیست و مؤلف کتاب، احتمالاً از میراث رایان عامی مدینه نیز در کنار سکونی بهره برده است. نوع اسناددهی سکونی با نوع اسناددهی این روایات جعفریات مطابقت دارد؛ در حالیکه روایات رایان عامی مدینه با اسانید متفاوتی در جعفریات یافت می‌شود. بر همین اساس، با دقت در نحوه اسناددهی از امام صادق علیه السلام تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، می‌توان مشخص نمود که هر حدیثی از جعفریات که اسنادی کامل و متصل تا پیامبر را داراست، احتمالاً از میراث سکونی بوده و متقابلاً احادیث با اسناد ناقص یا مرسل از امام باقر علیه السلام احتمالاً برگرفته از دفاتر رایان عامی مدینه هستند. در پایان لازم به ذکر است که ابن اشعث، علاقمند به گردآوری روایات اهل سنت از امام صادق بوده و این کار را یک بار درباره روایات حج امام صادق علیه السلام نیز انجام داده بود. احتمالاً او در جعفریات نیز مشابه همین الگورا پیاده کرده است.



پیوست (۱)

جدول شماره (۲): برخی از روایات مشترک جعفریات و اسماعیل بن ابی زیاد سکونی

شماره حدیث ^{۱۳۰}	نشانی روایت مشابه از سکونی	شماره حدیث	نشانی روایت مشابه از سکونی
۱	المحاسن، ۵۷۰/۲	۱۵۲	ثواب الأعمال، ۱۹
۵	التهدیب الأحکام، ۴۱۴/۱	۱۵۳	التهدیب الأحکام، ۳۵۳/۱
۷	التهدیب الأحکام، ۲۵۰/۱	۱۵۶	الکافی، ۵۱۲/۶
۱۲	ثواب الأعمال/۱۵	۱۵۷	من لا یحضره الفقیه، ۴۶۷/۳
۱۳	الکافی، ۱۵/۳	۱۵۸	الکافی، ۵۱۹/۵
۱۴	التهدیب الأحکام، ۳۴/۱	۱۶۲	الکافی، ۴۸۷/۲
۱۵	الکافی، ۱۵/۳	۱۶۳	أمالی الصدوق/۱
۲۶	المحاسن، ۳۶۵/۲	۴۹۴	الکافی، ۶۰۶/۲
۲۷	المحاسن، ۳۶۵/۲	۵۰۶	المحاسن، ۲۹۲/۱
۳۰	التهدیب الأحکام، ۳۵۳/۱	۵۱۸	التهدیب الأحکام، ۱۵۲/۶
۳۱	الکافی، ۲۹۶/۵	۵۲۲	الکافی، ۲۸/۵
۳۶	التهدیب الأحکام، ۳۵۷/۱	۵۴۶	الکافی، ۴۷/۵
۳۹	ثواب الأعمال، ۱۹	۵۸۰	الکافی، ۳۳۲/۵
۴۵	ثواب الأعمال، ۱۷	۶۰۵	الخصال، ۱۱۲/۱
۴۷	الخصال، ۵۴/۱	۶۶۵	من لا یحضره الفقیه، ۵۵۱/۳
۴۹	الخصال، ۳۳/۱	۶۸۰	التهدیب الأحکام، ۹۲/۸
۹۱	التهدیب الأحکام، ۳۶۹/۱	۷۴۹	التهدیب الأحکام،



شماره حدیث ^{۱۲۰۱}	نشانی روایت مشابه از سکونی	شماره حدیث	نشانی روایت مشابه از سکونی
	۲۲۴/۱۰		
۹۶	تفسیر العیاشی، ۲۶۳/۱	۷۶۵	التهدیب الأحکام، ۲۰۱/۱
۹۷	من لا یحضره الفقیه، ۱۵۳/۴	۷۸۹	التهدیب الأحکام، ۲۰۱/۱
۱۰۰	التهدیب الأحکام، ۱۹۰/۱۰	۷۹۷	التهدیب الأحکام، ۱۸۵/۱
۱۰۲	التهدیب الأحکام، ۴۸/۱۰	۸۱۳	التهدیب الأحکام، ۱۸۷/۱
۱۰۸	من لا یحضره الفقیه، ۱۴۹/۳	۸۲۱	التهدیب الأحکام، ۱۶۶/۸
۱۱۲	الکافی، ۲۶۰/۷	۸۲۹	التهدیب الأحکام، ۳۸۷/۱
۱۱۳	التهدیب الأحکام، ۱۷۰/۱۰	۸۵۳	الکافی، ۲۶۲/۷
۱۱۸	الکافی، ۳۲۷/۷	۸۶۱	المحاسن، ۴۵۸/۲
۱۲۴	من لا یحضره الفقیه، ۷۴/۴	۸۶۹	الکافی، ۲۶۱/۶
۱۲۵	الکافی، ۵۴۴/۵	۸۸۵	المحاسن، ۴۵۲/۲
۱۲۷	الکافی، ۴۶/۶	۹۴۱	الکافی، ۲۵۰/۶
۱۲۸	من لا یحضره الفقیه، ۴۵/۳	۹۵۷	الکافی، ۲۵۱/۶
۱۳۰	التهدیب الأحکام، ۱۵۳/۱۰	۹۶۵	المحاسن، ۴۲۴/۲
۱۳۳	التهدیب الأحکام، ۱۹۰/۱۰	۹۷۳	المحاسن، ۵۶۴/۲
۱۳۵	التهدیب الأحکام، ۳۵۲/۱	۱۳	الکافی، ۳۷/۶
۱۳۶	الکافی، ۲۹۵/۵	۱۳	التهدیب، ۱۷۰/۶ + الکافی، ۴۹۲/۶ + المحاسن، ۴۰۲/۲
۱۴۲	الکافی، ۲۵۳/۶	۱۲۸	الکافی، ۴۹۱/۶



شماره حدیث ^{۱۲۰}	نشانی روایت مشابه از سکونی	شماره حدیث	نشانی روایت مشابه از سکونی
۱۴۳	علل الشرائع، ۵۱۹/۲	۱۴۸	التهدیب الأحكام، ۳۵۲/۱
۱۴۴	الكافی، ۵۰۶/۶	۱۵۷	الكافی، ۵۲۰/۵
۱۴۷	التهدیب الأحكام، ۹۴/۹	۷۸۹	التهدیب الأحكام، ۲۳۵/۱۰
۱۴۸	الكافی، ۱۵/۳	۸۲۱	الكافی، ۲۵۸/۷
۱۴۹	الكافی، ۱۵/۳	۸۶۱	التهدیب الأحكام، ۲۹۰/۱۰
۱۵۱	التهدیب الأحكام، ۳۵۷/۱		

جدول شماره (۳): روایات مشترک جعفریات و مسمع بن عبد الملک

شماره حدیث	نشانی روایت مشابه از مسمع بن عبد الملک	شماره حدیث	نشانی روایت مشابه از مسمع بن عبد الملک
۱۳	التهدیب الأحكام، ۳۵۲/۱	۱۵۷	الكافی، ۵۲۰/۵
۳۱	الكافی، ۲۹۵/۵	۷۸۹	التهدیب الأحكام، ۲۳۵/۱۰
۱۲۸	الكافی، ۲۵۳/۶	۸۲۱	الكافی، ۲۵۸/۷
۱۴۸	التهدیب الأحكام، ۳۵۲/۱	۸۶۱	التهدیب الأحكام، ۲۹۰/۱۰



پیوست (۲)

جدول شماره (۴):

مجموع		الحدود		النكاح		الجهاد		الطهارة		نوع سند
سهم سكرتي	تعداد كل	سهم سكرتي	تعداد كل	سهم سكرتي	تعداد كل	سهم سكرتي	تعداد كل	سهم سكرتي	تعداد كل	
۳۲	۷۷	۰	۱	۲	۹	۵	۱۷	۲۵	۵۰	۱: عن ابيه عن جده [علي بن الحسين] عن ابيه عن علي بن ابي طالب قال قال رسول الله
۳	۱۲	۰	۰	۰	۵	۰	۳	۳	۴	۲: عن ابيه عن جده علي بن الحسين عن ابيه عن علي بن ابي طالب قال
۱۰	۱۴	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱۰	۱۳	۳: عن ابيه عن آبائه عن علي قال قال رسول الله
۱۱	۲۵	۱۰	۲۰	۱	۳	۰	۰	۰	۲	۴: عن ابيه عن جده ان عليا/عن علي
۱۷	۶۹	۳	۴	۱	۳	۰	۰	۱۳	۶۲	۵: عن ابيه عن علي/ان عليا
۱	۷	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۶	۶: سمعت ابي (عن ابيه)
۷	۲۶	۲	۴	۰	۲	۰	۱	۵	۱۹	۷: از پدران از صحابیان و غیره
۰	۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۸	۸: از غیر پدران (غیر معصوم)

پی‌نوشت‌ها

- [۱] نویسندگان این مقاله لازم می‌دانند از آقایان حامد صابر، عمیدرضا اکبری، سید محمد رضا لواسانی، علیرضا دهقانی، مجید جعفری و عباس مفید که در نوشتن و بازبینی این مقاله نظرات و نکات مفید خود را ارائه کرده‌اند، تشکر و قدردانی کنند. بدیهی است مسئولیت این مقاله با نویسندگان آن است و بابت اشتباهات احتمالی باقیمانده هیچ مسئولیتی متوجه این عزیزان نیست.
- [۲] لازم به ذکر است کتاب جعفریات تا کنون دو بار تحقیق و منتشر شده است: یکی توسط مکتبه النینوی الحدیثه در تهران (بی‌تا) و دیگری عتبه حسینی در کربلاء (۱۴۳۴ هـ). ما در متن مقاله برای ارجاع از نسخه اول استفاده می‌کنیم؛ ولی برای ارجاع دقیق‌تر به شماره احادیث کتاب، در پیوست این مقاله، به نسخه دوم که تک‌تک احادیث را شماره‌گذاری کرده است ارجاع خواهیم داد.
- [۳] اگر چه تصور شده شیخ طوسی نیز آن را از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است (حلی، منتهی‌المطلب، ۱۴۱۲: ۲۶۸/۱۵؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۱۴۱/۱۵؛ بحرانی، الحدائق، بی‌تا، ۳۵۶/۲۲) اما این تصور ناشی از تصحیف عبد الله بن عبد الرحمن بن ابی حسین، به عبد الله بن عبد الرحمن عن ابی الحسن، در سند شیخ طوسی است (طوسی، تهذیب، ۱۴۰۷: ۱۷۵/۶؛ ترمذی، السنن، ۱۳۹۵: ۷۴/۴؛ سمرقندی، تنبیه الغافلین، ۱۴۲۱: ۵۰۲/۱).
- [۴] البته در قرب الاسناد آمده است: «قَصَى فِي بَرِيْرَةَ بِشَيْئَيْنِ» اما در ادامه همین موارد سه‌گانه یاد شده است (حمیری، ۱۴۱۳: قرب الاسناد، ۹۴)؛ بنابراین «بشئین» با ادامه حدیث مناسبتی ندارد و ظاهراً تصحیف «بسنن» است.
- [۵] به‌طور کلی مسیلمه کذاب در روایات ایشان چندان مورد توجه قرار نگرفته است. موضع منفی اهل بیت علیهم السلام و شیعیان نسبت به خالد بن الولید را نیز نباید از نظر دور داشت (شوشتری، قاموس الرجال، ۱۴۱۵: ۱۴۳/۴).
- [۶] تنها از طریق مشکوک دیگری به ابن عباس نیز نسبت داده شده است (جرجانی، الكامل، ۱۴۱۸: ۴۵۲/۵).
- [۷] در رتبه‌بندی راویان، علاوه بر تعداد روایات مشابه با جعفریات، میزان مشابهت روایات نیز در نظر گرفته شده است.
- [۸] قس: ح ۱، ۱۴۴، ۱۵۹، ۶۳۵ به ترتیب با: برقی، المحاسن، ۵۷۰/۲؛ ابن بابویه، الخصال، ۵۳۸/۲؛ حمیری، قرب الإسناد، ۷۳؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ۲۵۹/۲۰ (در اینجا فرض شده است که مسعدة بن زیاد، مسعدة بن صدقة و مسعدة بن اليسع سه عنوان برای یک نفر باشد؛ در این باره نک: احسن الفوائد فی احوال المساعد، سراسر).



- [۹] قس: ح ۲۱، ۲۸، ۱۱۴، ۱۱۵؛ به ترتیب با: ابن ابی شیبۀ، المصنف، ۱/۱۸۱؛ ابونعیم، حلیة الاولیاء، ۳/۱۳۳؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ۲۴/۳۶۵.
- [۱۰] قس: ح ۵۵۰، ۶۰۰، ۹۱۷ به ترتیب با حمیری، قرب الاسناد، ۱۳۴، ۱۴۴، ۱۵۲.
- [۱۱] قس: ح ۱۰۰، ۱۱۴، ۱۱۵، ۸۰۵ به ترتیب با: طوسی، تهذیب الأحکام، ۳/۲۴۸؛ برقی، المحاسن، ۲/۴۲۷؛ همان، ۲/۴۲۷؛ کلینی، الکافی، ۷/۲۶۳.
- [۱۲] قس: ابن اشعث، ح ۱۴، ۴۰، ۴۸، ۵۶، ۱۰۵ به ترتیب با من لا یحضره الفقیه، ۴/۴؛ الغیلانیات، ۱/۱۳۰؛ مسند ابی یعلی، ح ۶۷۳۹؛ خطیب بغدادی، المتفق والمفترق، ۲/۹۶۹؛ تفسیر العیاشی، ۱/۳۰۱ (در مصدر اخیر نام راوی «الحسن بن زید» ضبط شده که می‌تواند تصحیف «الحسین بن زید» باشد).
- [۱۳] روایت سکونی با احادیث شامیان، مانند بقیة بن الولید و اوزاعی اشتراکات زیادی دارد (قندهاری و عادل زاده، روایات اسماعیل بن ابی‌زید سکونی از امام صادق *، چالش‌ها و تبیین‌ها، در دست انتشار).
- [۱۴] در روایت جعفریات همچنین به امام سجاد * واکنش تندی، در پاسخ کسی که پیام دعوت به ولیمه را آورده بود، گزارش شده که تناسب آن با اخلاق امام سجاد * جای تأمل دارد و پذیرش نسبت آن به سعید بن مسیب آسان‌تر است.
- [۱۵] این احتمال وجود دارد که سکونی، اصل آن را از استاد خود، جویری از ضحاک بن مزاحم گرفته باشد (عبدالرزاق، المصنف، ۳/۲۸۹).
- [۱۶] این حدیث احتمالاً در اصل برداشتی است از دو روایت ضعیف منسوب به پیامبر ا بوده است (نک: طبرانی، المعجم الکبیر، ۱۴۱۵: ۱۴۴/۱۱؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵/۵۶۴؛ قاسم بن سلام، غریب الحدیث، ۱۳۸۴: ۲/۷۴؛ ابوداود، المراسیل، ۱۴۰۸: ۱/۱۷۸).
- [۱۷] اگر چه شارحان حدیث توجیهاتی برای حدیث سکونی پیشنهاد کرده‌اند (مجلسی، ملاذ الاخیار، ۱۴۰۶: ۱۹۰/۱۶) اما با توجه به نقل دعائم الاسلام (ابن حیّون، دعائم، ۱۳۸۵: ۲/۴۶۴)، روایت مشابه دیگر در جعفریات (ابن اشعث، الجعفریات، ۱۴۶) و نقل مشابه از عمر بن خطاب، این تأویلات را که خلاف ظاهر حدیث است، نمی‌توان پذیرفت.
- [۱۸] البته در منابع اهل سنت برای هر فقره اسناد دیگری نیز دیده می‌شود.
- [۱۹] هر دو در برخی اسانید و فهارس، ملقب به مقری شده‌اند که احتمالاً مصحف مصری است.
- [۲۰] شماره احادیث جعفریات بر اساس چاپ العتبة الحسینیة به تحقیق مشتاق صالح المظفر تعیین شده است.



منابع

١. آجری بغدادی، محمد بن الحسین، ذم اللواط، محقق: السيد ابراهيم، مجدى، القاهرة: مكتبة القرآن، بی تا.
٢. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، المصنف، محقق: الجمعة، حمد بن عبدالله و اللحيان، محمد بن ابراهيم، رياض: دار الرشد، ١٤٢٥ق.
٣. ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو، الآحاد والمثاني، محقق: الجوابرة، باسم فيصل أحمد، دار الراية - الرياض، ١٤١١ق.
٤. ابن اثير، مبارك بن محمد جزري، النهاية في غريب الحديث و الأثر، محقق: طناحي، محمود محمد، قم: موسسه مطبوعاتي اسماعيليان، ١٣٦٧ش.
٥. ابن اعرابي، احمد بن محمد البصري، معجم ابن الاعرابي، محقق: الحسيني، عبدالمحسن بن ابراهيم، المملكة العربية السعودية، دار ابن الجوزي، ١٤١٨ق.
٦. ابن بابويه، محمد بن علي، الأمالي، تهران: كتابچی، ١٣٧٦ش.
٧. ابن بابويه، محمد بن علي، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دارالشریف الرضی للنشر، ١٤٠٦ق.
٨. ابن بابويه، محمد بن علي، الخصال، محقق: غفاري، علي اكبر، قم: جامعه مدرسين، ١٣٦٢ش.
٩. ابن بابويه، محمد بن علي، علل الشرائع، قم: كتاب فروشى داوری، ١٣٨٥ش.
١٠. ابن بابويه، محمد بن علي، من لا يحضره الفقيه، محقق: غفاري، علي اكبر، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٣ق.
١١. ابن جعد، علي بن الجعد بن عبيد الجوهري البغدادي، مسند ابن الجعد، تحقيق: عامر أحمد حيدر، بيروت: مؤسسة نادر، ١٤١٠ق.
١٢. ابن حبان، ابو حاتم محمد التميمي الدارمي، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، محقق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٤ق.
١٣. ابن حزم، علي بن أحمد الأندلسي، المحلى بالآثار، بيروت: دارالفكر، بی تا.
١٤. ابن حميد، ابو حميد عبد الحميد بن حميد بن نصر الكسبي، المنتخب من مسند عبد بن حميد، تحقيق: العدوي، مصطفى، بی جا، دار پلنسية للنشر والتوزيع، ١٤٢٣ق.
١٥. ابن حيون، نعمان بن محمد مغربي، دعائم الإسلام، محقق: فيضی، آصف، قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، ١٣٨٥ق.
١٦. ابن سعد، محمد بن سعد الزهري، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤١٧ق.
١٧. ابن طاووس، علي بن موسى، الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، محقق: عاشور، علي، قم: خيام، ١٤٠٠ق.
١٨. ابن طاووس، علي بن موسى، مال الأسبوع بكمال العمل المشروع، قم: دارالرضی، ١٣٣٠ق.
١٩. ابن عبد البر، ابو عمر يوسف بن عبدالله، الاستذكار، محقق: عطا، سالم محمد و معوض، محمد علي، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٢١ق.



۲۰. ابن عراق، علی بن محمد الکنانی، تنزیه الشریعة المرفوعة عن الأخبار الشنیعة الموضوعة، محقق: عبدالوهاب عبداللطیف و الغماری، عبدالله محمد الصدیق، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۹ق.
۲۱. ابن عساکر، علی بن حسن الدمشقی، تاریخ مدینة دمشق، محقق: العمروی، عمر بن غرامة، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، محقق: هارون، عبدالسلام محمد، مکتب الاعلام الاسلامی، قم: ۱۴۰۴ق.
۲۳. ابن قیسرانی، ابوالفضل محمد بن طاهر المقدسی، ذخیرة الحفاظ، محقق: الفریوائی، عبدالرحمن، الرياض، دارالسلف، ۱۴۱۶ق.
۲۴. ابن ماجة، محمد بن یزید القزوینی، سنن ابن ماجه، تحقیق: الأرئووط، شعیب، دار الرسالة العالمیة، ۱۴۳۰ق.
۲۵. ابن معد، فخار الموسوی، ایمان ابی طالب المعروف بالحجة علی الذهاب إلى کفر ابی طالب، محقق: بحرالعلوم، محمد، دار سید الشهداء للنشر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۲۶. ابن ملقن، ابوحفص عمر بن علی، التوضیح لشرح الجامع الصحیح، محقق: دارالفلاح للبحث العلمی و تحقیق التراث، دمشق: دارالنوادر، ۱۴۲۹ق.
۲۷. ابو داود، سلیمان بن الأشعث السجستانی، السنن، محقق الأرئووط، شعیب، دار الرسالة العالمیة، ۱۴۳۰ق.
۲۸. ابوداود، سلیمان بن الأشعث السجستانی، المراسیل، محقق: شعیب الارناؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۸ق.
۲۹. أبو عوانة، یعقوب بن إسحاق، مستخرج ابی عوانة، محقق: الدمشقی، ایمن بن عارف الدمشقی، بیروت: دارالمعرفة ۱۴۱۹ق.
۳۰. أبولحیة، نورالدین، احکام الطلاق والفسخ وآثارهما برؤية مقاصدیة، بی جا، دارالأنوار للنشر والتوزیع، ۱۴۳۶ق.
۳۱. ابومطیع المصری، محمد بن عبد الواحد، الأول من امالی ابی مطیع المصری (مخطوطة بالمکتبة الظاهریة)، بی جا، بی نا، بی تا.
۳۲. ابونعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، مصر: مکتبة السعادة، ۱۳۹۴ق.
۳۳. أبونعیم، أحمد بن عبدالله الأصبهانی، معرفة الصحابة، تحقیق: العزازی، عادل بن یوسف، الرياض: دارالوطن للنشر، ۱۴۱۹ق.
۳۴. احمد بن حنبل، ابوعبدالله الشیبانی، العلل ومعرفة الرجال، محقق: وصی الله بن محمد عباس، الرياض: دارالخانی، ۱۴۲۲ق.
۳۵. احمد بن حنبل، ابوعبدالله الشیبانی، المسند، محقق: الأرئووط، شعیب و مرشد، عادل، بی جا، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۳۶. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، محقق: ایراوانی، محمدتقی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، بی تا.



٣٧. بخارى، محمد بن اسماعيل، الأدب المفرد، محقق: عبد الباقي، محمد فؤاد، - بيروت: دارالبشائر الإسلامية، ١٤٠٩ق.
٣٨. بخارى، محمد بن اسماعيل، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأيامه، محقق: الناصر، محمد زهير بن ناصر، بي جا، دار طوق النجاة، ١٤٢٢ق.
٣٩. برقى، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، محقق: محدث، لال الدين، قم: دارالكتب الإسلامية، ١٣٧١ق.
٤٠. بغدادى، خطيب احمد بن على بن ثابت، محقق: المعروف، بشار عواد، بي جا، دارالمفرب الإسلامية، ١٤٢٢ق.
٤١. بزار، ابوبكر أحمد بن عمرو، مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار، محقق: محفوظ الرحمن زين الله، المدينة المنورة: مكتبة العلوم والحكم، ٢٠٠٩م.
٤٢. بلاذرى، احمد بن يحيى، مل من أنساب الأشراف، تحقيق: زكار، سهيل و الزركلى، رياض، دار الفكر، بيروت، ١٤١٧ق.
٤٣. بلاذرى، احمد بن يحيى، فتوح البلدان، بيروت: دار و مكتبة الهلال، ١٩٨٨م.
٤٤. بوصيرى، احمد بن ابى بكر، اتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة، محقق: دار المشكاة للبحث العلمى، بي جا، دارالوطن للنشر، ١٤٢٠ق.
٤٥. بيهقى، احمد بن الحسين بن على، دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٥ق.
٤٦. بيهقى، أحمد بن الحسين بن على، السنن الصغير، محقق: قلجعى، عبدالمعطى أمين، باكستان: امعة الدراسات الإسلامية، ١٤١٠ق.
٤٧. بيهقى، احمد بن الحسين بن على، السنن الكبرى، عطا، محمد عبدالقادر، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٢٤ق.
٤٨. ترمذى، محمد بن عيسى، سنن الترمذى، تحقيق: شاكر، أحمد محمد و عبدالباقي، محمد فؤاد، -مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابى الحلبي ١٣٩٥ق.
٤٩. التوبلى البحرانى، سيد هاشم بن سليمان، البرهان فى تفسير القرآن، محقق: قسم الدراسات الإسلامية، قم: مؤسسة البعثة، مؤسسه بعثه، ١٣٧٤ق.
٥٠. جرجانى، ابواحمد بن عدى، الكامل فى ضعفاء الرجال، محقق: عبد الموجود، عادل احمد و معوض، على محمد، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٨ق.
٥١. جصاص، احمد بن على الرازى، احكام القرآن، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤١٥ق.
٥٢. حارث بن محمد التميمى، بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث، المنتقى: على بن ابى بكر الهيثمى، المحقق: حسين أحمد صالح الباكري، المدينة المنورة: مركز خدمة السنة والسيرة النبوية، ١٤١٣ق.
٥٣. حرّ عاملى، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ، ١٤٠٩ق.
٥٤. حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، منتهى المطلب فى تحقيق المذهب، بي جا، مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٢ق.



۵۵. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، نهج الحق و كشف الصدق، بیروت: دارالکتب اللبنانی، ۱۹۸۲م.
۵۶. حمیدی، عبدالله بن الزبیر، المسند، محقق: الدارانی، حسن سلیم، دمشق: دار السقاء، ۱۹۹۶م.
۵۷. خزاعی مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، محقق: الزهیری، سمیر امین، مكتبة التوحيد، القاهرة: ۱۴۱۲ق.
۵۸. خلعی، ابوالحسن علی بن الحسن، الفوائد المنتقاة الحسان الصحاح والغرائب المشهور بالخلعيات رواية ابی محمد عبدالله بن رفاعة بن غدیر السعدی، تخريج أحمد بن الحسن بن الحسين الشیرازی، تصحيح: أحمد الخضری، بی جا، بی نا، بی تا.
۵۹. دارقطنی، علی بن عمر، السنن، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
۶۰. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، المسند الدارمی المعروف بسنن الدارمی، محقق: الدارانی، حسین سلیم، المملكة العربية السعودية: دارالمعنی، ۱۴۱۲ق.
۶۱. الدانی، عثمان بن سعید، السنن الواردة فی الفتن وغوائلها والساعة وأشراتها، المحقق: رضاء الله بن محمد إدريس المبارکفوری، الرياض: دار العاصمة، ۱۴۱۶ق.
۶۲. درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۰ش.
۶۳. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق: البجاوی، علی محمد، بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ق.
۶۴. ربیع بن حبیب، دارالثقافة الدينية، مصر، بی تا.
۶۵. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، محقق: صادقی اردستانی، احمد، قم: دارالکتب، بی تا.
۶۶. رحمتی، محمدکاظم، مقدمه الإيضاح از قاضی نعمان، میراث حدیث شیعه، دفتر دهم، ۱۳۸۲ش.
۶۷. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغة، بیروت: دار صادر، ۱۹۷۹م.
۶۸. زمخشری، محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، محقق: شمس‌الدین، ابراهیم، بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۱۷ق.
۶۹. زیان، فاطمه، ارزیابی بی اعتباری اشعنیات، پژوهشنامه امامیه، شماره ۶، ۱۳۹۶ش.
۷۰. سجستانی، ابوبکر بن ابی داود، مسند عائشة، محقق: حسین، عبدالغفور عبدالحق، کویت: مكتبة الاقصى، ۱۴۰۵ق.
۷۱. سرخسی، شمس الأئمة محمد بن أحمد، المبسوط، بیروت: دارالمعرفة-۱۴۱۴ق.
۷۲. السری بن یحیی، الشیبانی المحلمی، أحادیث السری بن یحیی (مخطوط نُشر فی برنامج جوامع الكلم المجانی التابع لموقع الشبكة الإسلامية)، ۲۰۰۴م.
۷۳. سعید بن منصور، ابوعثمان الخراسانی، السنن، محقق: الاعظمی، حبیب الرحمن، هند: الدارالسلفية، ۱۴۰۳ق.
۷۴. سلفی، ابوطاهر احمد بن محمد، محقق: معالی، یحیی معالی و الحسن، عباس صخر، الرياض: مكتبة اضواء السلف، ۱۴۲۵ق.



٧٥. سليم بن قيس هلالی، كتاب سليم بن قيس الهلالي، محقق: انصاري زنجاني خوئينی، محمد، قم: الهادي، ١٤٠٥ق.
٧٦. سمرقندی، ابواليث نصر بن محمد، تنبيه الغافلين بأحاديث سيد الأنبياء والمرسلين، محقق: بديوي، يوسف علي، بيروت: دار ابن كثير، ١٤٢١ق.
٧٧. شافعي، محمد بن ادريس، الأم، بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٠ق.
٧٨. شبيري زنجاني، موسى، كتاب نكاح، گردآورنده: يزدی، محمد كاظم بن عبد العزيز، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، بی تا.
٧٩. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٠ق.
٨٠. شوکانی، محمد بن علي، الفوائد المجموعة في الأحاديث الموضوعة، محقق: المعلمی اليماني، عبدالرحمن بن يحيى، بيروت: دارالكتب العلمية، بی تا.
٨١. شيبان بن فروخ، الجزء السادس من حديث شيبان بن فروخ وغيره (مخطوطة بالمكتبة الظاهرية)، محقق: قسم المخطوطات بشركة افق للبرمجيات، شركة افق للبرمجيات، بی تا.
٨٢. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد ﷺ، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ١٤٠٤ق.
٨٣. الصنعاني، عبدالرزاق بن همام، مصنف عبدالرزاق، بيروت: المكتب الإسلامي، ١٤٠٣ق.
٨٤. طبرانی، سليمان بن احمد، الأوائل، محقق: محمد شكور بن محمود الحاجي أمير، بيروت: مؤسسة الرسالة، دار الفرقان، ١٤٠٣ق.
٨٥. طبرانی، سليمان بن أحمد، مسند الشاميين، محقق: السلفي، حمدي بن عبدالمجيد، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٥ق.
٨٦. طبرانی، سليمان بن أحمد، المعجم الكبير، محقق: السلفي، حمدي بن عبد المجيد، القاهرة: مكتبة ابن تيمية، ١٤١٥ق.
٨٧. طبرانی، سليمان بن أحمد، المعجم الأوسط، تحقيق: طارق بن عوض الله، القاهرة: دارالحرمين، بی تا.
٨٨. طبرانی، سليمان بن أحمد، المعجم الصغير، بيروت: المكتب الإسلامي؛ عمّان، دار عمار، ١٤٠٥ق.
٨٩. طبري، محمد بن جرير، تاريخ الأمم و الملوك، بيروت: دارالتراث، ١٣٨٧ق.
٩٠. طبري أملي، محمد بن جرير بن رستم، المسترشد في الإمامة، قم: كوشانپور، ١٤١٥ق.
٩١. طوسي، محمد بن حسن، الاستبصار، تحقيق: خراسان، حسن، تهران: دارالكتب الاسلامية، ١٣٩٠ق.
٩٢. طوسي، محمد بن حسن، التهذيب الأحكام، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٣٦٥ش.
٩٣. طوسي، محمد بن حسن، الخلاف، مؤسسة النشر الإسلامي، بی تا.
٩٤. طوسي، محمد بن حسن، رجال، قم: انتشارات اسلامي جامعه مدرسين، ١٤١٥ق.
٩٥. طوسي، محمد بن حسن، فهرست كتب الشيعة و اصولهم و اسماء المصنفين و اصحاب الاصول، محقق: طباطبائي، عبد العزيز، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي، ١٤٢٠ق.



۹۶. الطیالسی، أبوداود سلیمان بن داود، مسند أبی داود الطیالسی، مصر: هجر للطباعة و النشر والتوزیع، ۱۴۲۰ق.
۹۷. عدنی، محمد بن یحیی، الایمان، محقق: الجابری الحربی، حمد بن حمدی، الكويت: الدارالسلفية، ۱۴۰۷ق.
۹۸. عفان بن مسلم الصفار، احادیث عفان بن مسلم، تحقیق: حمزة احمد الزین، القاهرة: دارالحدیث، ۲۰۰۴م.
۹۹. فتنی، محمد طاهر بن علی الصدیقی الهندی، تذکرة الموضوعات، المنيرية: إدارة الطباعة، ۱۳۴۳ق.
۱۰۰. قاسم بن سلام، ابوعبید الهروی، غریب الحدیث، محقق: عبدالمعید خان، محمد، حیدرآباد دکن: مطبعة دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۸۴ق.
۱۰۱. قاسم بن سلام، ابوعبید الهروی، فضائل القرآن، محقق: العطیة، مروان و خرابة، محس و تقی الدین، وفاء، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۱۵ق.
۱۰۲. قاسم بن سلام، ابوعبید الهروی، الناسخ و المنسوخ، محقق: المدیفر، محمد بن صالح، الرياض: مكتبة الرشد، ۱۴۱۸ق.
۱۰۳. قندهاری، محمد، بازشناسی هویت تاریخی سلیم بن قیس هلالی، پایان نامه دکترای قرآن و حدیث، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۸ش.
۱۰۴. قندهاری، محمد و عادلزاده، علی، «روایات اسماعیل بن ابی زیاد سکونی از امام صادق (علیه السلام) چالش‌ها و تبیین‌ها»، نشریه پژوهش‌های رجالی، در دست نشر.
۱۰۵. قیروانی، عبدالله بن عبد الرحمن النفضی، النوادر والزیادات علی ما فی المدونة من غيرها من الأمهات، تحقیق: الحلو، عبدالفتاح محمد و حجی، محمد، بیروت: دارالغرب الإسلامی، ۱۹۹۹م.
۱۰۶. کتاب الطبیخ فی المغرب و الاندلس فی عصر الموحّدين لمؤلف مجهول، أمبروزیو اویثی میراندا، مصر: المعهد المصری (الدراسات الاسلامیة مدرید)، العدد ۹ و ۱۰، السنة ۱۳۸۰ق.
۱۰۷. کردوش، ابوعلی الحسن بن علی بن نصر الطوسی، مختصر الأحكام (مستخرج الطوسی علی جامع الترمذی)، محقق: الأندونوسی، أنیس بن أحمد بن طاهر، المدينة المنورة: مكتبة الغرباء الأثرية، ۱۴۱۵ق.
۱۰۸. کلینی، الکافی، محمد بن یعقوب، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۰۹. مالک بن انس، الموطأ، محقق: عبدالباقی، محمد فؤاد، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۶ق.
۱۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۳ق.
۱۱۱. مجلسی، محمدباقر، ملاذ الأخیار فی فهم التهذیب الأخبار، محقق: رجائی، مهدی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
۱۱۲. مددی، سید احمد، دروس خارج فقه، جلسه ۲۲، منتشر شده در پایگاه اینترنتی مؤلف در لینک زیر: <http://www.ostadmadadi.ir/persian/lesson/9505>، ۱۳۸۵ش.



۱۱۳. مددی، سید احمد، دروس خارج فقه، جلسه ۱۱۲، منتشر شده در پایگاه اینترنتی مؤلف در لینک زیر <http://www.ostadmadadi.ir/persian/lesson/9088/>، ۱۳۸۸ش.
۱۱۴. المرتضی، سید علی بن حسین بن موسی، الانتصار فی انفرادات الامامیة، بی تا.
۱۱۵. مروزی، محمد بن نصر بن الحجاج، تعظیم قدر الصلاة، محقق: الفریوائی، عبدالرحمن عبدالجبار، المدینة المنورة: مكتبة الدار، ۱۴۰۶ق.
۱۱۶. مزّی، یوسف بن عبد الرحمن، التهذیب الکرمال فی أسماء الرجال، محقق: معروف، بشار عواد، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ق.
۱۱۷. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: داغر، یوسف اسعد، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
۱۱۸. مسلم بن الحجاج، ابوالحسن القشیری النیسابوری، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۱۱۹. معمر بن راشد، ابوعمر و البصری الازدی، الجامع، محقق: الاعظمی، حبيب الرحمن، پاکستان: المجلس العلمی، ۱۴۰۳ق.
۱۲۰. مقدسی، ضیاء الدین محمد بن عبدالواحد، الأحادیث المختارة أو المستخرج من الأحادیث المختارة مما لم يخرج البخاری و مسلم فی صحیحتهما، تحقیق: عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، بیروت - لبنان: دار خضر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۰ق.
۱۲۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ش.
۱۲۲. نجفی، محمد حسن بن باقر، واهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محقق: قوچانی، عبا، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
۱۲۳. نحاس، ابوجعفر أحمد بن محمد، الناسخ و المنسوخ، محقق: محمد عبدالسلام محمد، الكويت: مكتبة الفلاح ۱۴۰۸ق.
۱۲۴. نسائی، احمد بن شعيب، السنن الكبرى، محقق: شلبي، حسن عبد المنعم، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۱۲۵. نوری، حسین بن محمد تقی، المستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ، ۱۴۰۸ق.
۱۲۶. نیشابوری، ابوعبدالله الحاکم محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
۱۲۷. واحدی، ابوالحسن علی بن أحمد، الوسیط فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق: عبد الموجود، عادل أحمد، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۱۲۸. یحیی بن آدم، الخراج، مكتبة التراث، مصر، بی تا.

129. Madelung, Wilferd, The Sources of Ismā'īlī Law, Journal of Near Eastern Studies, Vol. 35, No.1976.